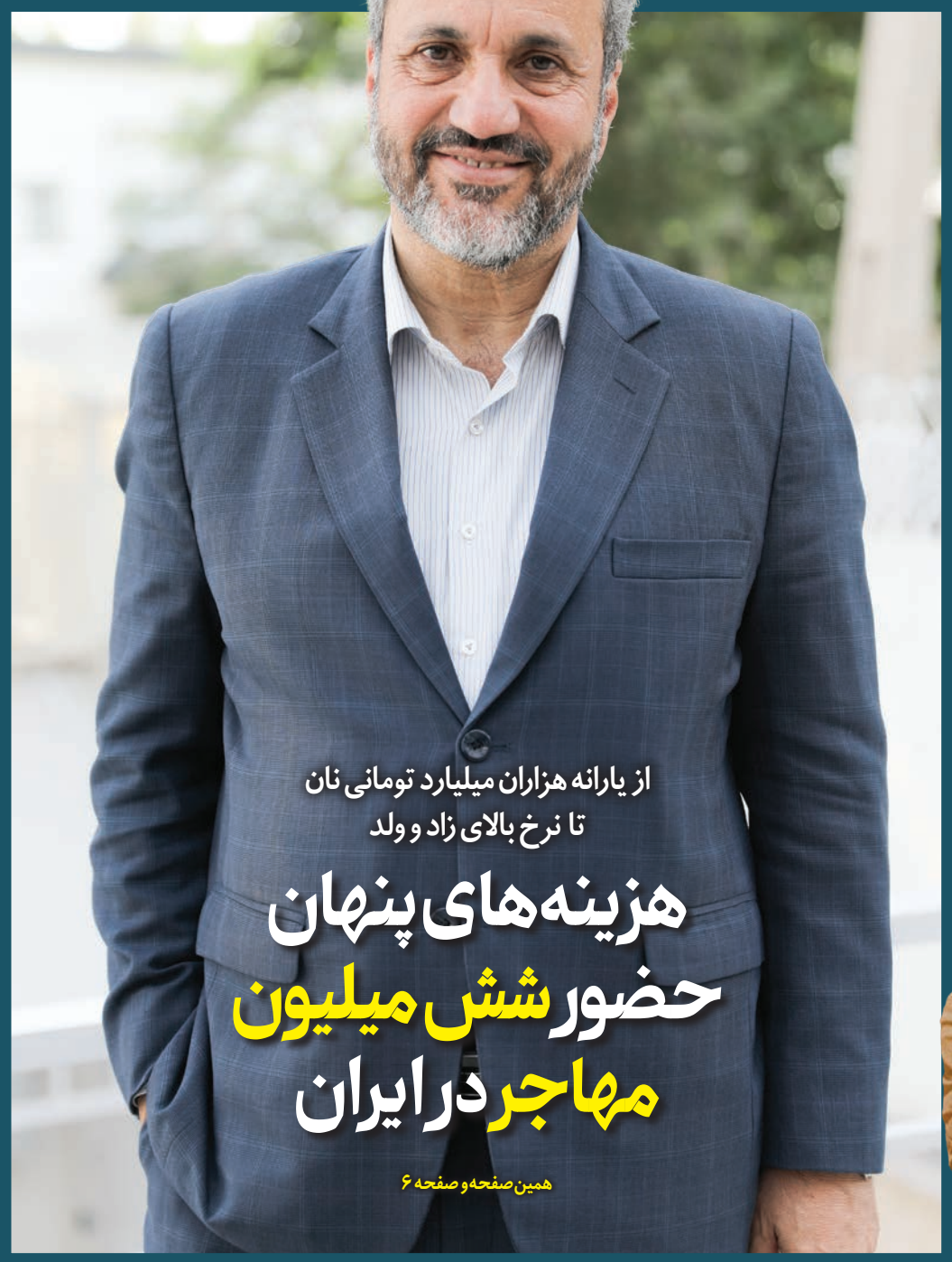




از یارانه هزاران میلیارد تومانی نان
تا نرخ بالای زاد و ولد

هزینه‌های پنهان حضور شش میلیون مهاجر در ایران

همین صفحه و صفحه ۶

گفت‌وگو با داوود بنی‌اردلان، کارگردان و بازیگر
نمایش «نیمه تاریک ماه»

فناوری، زندگی را به نابودی می‌کشاند

نمایش روابط میان انسان‌ها به بومی‌سازی نیازی
ندارد؛ انسان ایرانی در جهان امروز می‌تواند در هر
جای جهان زیست و مناسبات را درک کند

صفحه ۵

سیاوش صفاریان پور: ما هشدار نمی‌دهیم، سرگرم می‌کنیم	بهزاد عمرانی: نقش‌ام را از فیلم می‌شناختم	مژده محمدی: مخاطب مرا پادکستر می‌بیند
--	--	--



گفت و گو

از یارانه هزاران میلیارد تومانی نان تا نرخ بالای زاد و ولد

هزینه‌های پنهان حضور شش میلیون مهاجر در ایران

بازگشت ۷۷۲ هزار نفر اتباع غیر مجاز مصرف نان کشور ۶ درصد کاهش یافته که نشان می‌دهد هر مهاجر غیر مجاز حدود ۷ برابر یک ایرانی نان مصرف می‌کند

اخیر و بورش قدرت‌های بزرگ به این کشور، مرزها را گشودیم تا جان مردم را نجات دهیم. امروز اما شرایط در افغانستان تغییر کرده و جنگی در چهار سال اخیر وجود نداشته است. بنابراین این افراد می‌توانند به کشور خودشان بازگردند.

اتباع غیر مجاز را داد گاهی نمی‌کنیم

وی با اشاره به مشکلات اقتصادی در کشور افغانستان و شرایط تبعید شده و جنگی در چهار سال اخیر وجود نداشته است. بنابراین این افراد می‌توانند به کشور خودشان بازگردند. می‌روند، گفت: مشکلات اقتصادی در افغانستان دلیل موجهی برای ورود غیرقانونی به ایران نیست. ورود غیرمجاز طبق قانون مجازات و برخورد قضایی دارد، اما در مورد اتباع افغانستانی با رویکردی متفاوت و انسان‌دوستانه برخورد می‌کنیم و پرونده آنها را به دادگاه ارجاع نمی‌دهیم، بلکه امکان بازگشت داوطلبانه را فراهم می‌کنیم. هر کس در ایران زندگی می‌کند باید دو موضوع را اثبات کند، نخست هویت خود را و دوم دلیل حضورش را در کشور. اگر نتواند به این دو مهم پاسخ گوید باید موضوع را با پلیس حل کند. امسال نیز این فرصت را فراهم کرده‌ایم که افراد فاقد مدرک معتبر با مراجعه به اردوگاه‌های تعیین‌شده و با هزینه شخصی ظرف ۲۴ تا ۴۸ ساعت به مرزهای شرقی منتقل و از کشور خارج شوند. اگر فردی سند هویتی معتبر داشته باشد و این سند نشان دهد که حضورش دارای مجوز یا رواید است، ماندنش قانونی محسوب می‌شود. اما مشکل بسیاری از برادران و خواهران افغانستانی این است که گمان می‌کنند صرف زندگی طولانی‌مدت در ایران، دلیل کافی برای ادامه اقامت است.

افغان‌ها اگر به وطنشان علاقه دارند، بازگردند

بسیاری از منتقدان اجرای این طرح به خانواده‌هایی اشاره می‌کنند که سال‌ها در ایران زندگی کرده‌اند و فرزندانشان هم در ایران متولد شده‌اند و حتی زبان مادری‌شان فارسی است. با این حال به باور پاراحمدی قانون تکلیف همه این افراد را روشن کرده است. وی می‌گوید: فردی که در ایران به دنیا آمده، اگر موفق به دریافت اقامت یا اسناد هویتی معتبر نشده باشد، صرف سال‌ها زندگی در ایران نمی‌تواند دلیل موجهی برای ادامه حضورش باشد. ما در واقع با این طرح موانع بازگشت اتباع افغان را به وطن‌شان برمی‌داریم. اتباع افغانستانی اگر به وطن خود علاقه‌مند باشند، باید از این فرصت استفاده کنند. ممکن است سطح زندگی در کشور دیگری بالاتر باشد، اما این به معنای حضور بدون مدرک در آن کشور نیست. توصیه ما به کسانی که شرایطش را دارند این است که داوطلبانه به کشور خود بازگردند. ما امیدواریم افغانستانی با ثبات و امن در کنار خود داشته باشیم تا همسایگی‌مان برای هر دو طرف سودمند باشد.

ادامه در صفحه ۶

۷

بازگشت تنها ۷۷۲ هزار نفر (۰.۸۴ درصد جمعیت ایران) از ابتدای سال و بنا به گفته وزیر کشور مصرف نان کشور ۶ درصد کاهش یافته است. این یعنی هر مهاجر غیر مجاز به‌طور میانگین حدود ۷ برابر یک ایرانی نان مصرف می‌کند

خراج اتباع غیر مجاز قانونی است

وی در پاسخ به منتقدانی که می‌گویند موج جدید اخراج اتباع افغانستانی، بیش از آن که مبتنی بر قانون باشد، تحت تأثیر فشارهای سیاسی و اجتماعی است گفت ما ملیم کسانی که چنین ادعایی مطرح می‌کنند، توضیح دهند که کدام اقدام ما غیرقانونی است. مگر می‌شود مخالف اجرای قانون بود؟ برای اثبات قانونی بودن اقداماتمان، ده‌ها سند و مدرک در اختیار دارم. هر فردی که بدون داشتن سند هویتی معتبر در کشور حضور داشته باشد، مرتکب اقدامی غیرقانونی شده است. بسیاری از این افراد در شرایط خاصی وارد ایران شدند و به‌تدریج فضایی برای خود ایجاد کرده‌اند که گویی حضورشان در اینجا حق مسلم‌شان است و حالا که با آنان برخورد قانونی می‌شود برخی تعجب می‌کنند. او در ادامه تأکید کرد که پلیس در قبال کسانی که مرتکب جرم میشوند می‌شوند، نیاز به توجیه یا دلیل ویژه‌ای ندارد. از هیچ ایرانی نمی‌پرسند چرا در ایران زندگی می‌کند چون هیچ ایرانی برای حضور در کشور خودش نیاز به توجیه ندارد اما اگر همسین ایرانی بخواهد وارد کشور دیگری شود، حتی کشوری همسایه که با ما روابط خوبی دارد باید گذرنامه و رواید ارائه کند. رواید یعنی دلیل موجه برای حضور. اکنون باید پرسید اتباعی که در ایران هستند، آیا از مسئولان یا مردم این کشور اجازه ورود گرفته‌اند یا نه؟ قانون به صراحت می‌گوید که در برابر هر جرم مشهود، پلیس وظیفه برخورد دارد و این موضوع در قوانین مدنی و جزایی ما تصریح شده است.

در افغانستان جنگ نیست، بازگردید

پاراحمدی برخورد با اتباع غیرمجاز را بر اساس نص صریح قانون می‌داند و معتقد است هیچ استثنایی در این زمینه وجود ندارد. به گفته وی هر فردی که بدون مجوز وارد کشور شود، پلیس حق دارد او را اخراج کند. البته ما در دوره‌ای به دلیل شرایط خاص منطقه، به‌ویژه جنگ در افغانستان طی پنج دهه

میان مهاجران افغانستانی به شکلی چشمگیر از میانگین کشوری پیشی می‌گیرد. سال گذشته، به جمعیت ۸۶ میلیونی ایران، حدود ۹۷۵ هزار تولد ثبت شد؛ یعنی ۱۱.۳ تولد به ازای هر هزار نفر. اما در میان جامعه ۶ میلیونی افغانستانی، ۲۳۰ هزار تولد ثبت شده است؛ معادل ۳۸.۳ تولد به ازای هر هزار نفر. بیش از سه برابر میانگین کشور. نرخ باروری کل زنان افغانستانی بین ۴۸ تا ۵۱.۴ فرزند است، در حالی که این رقم برای زنان ایرانی حدود ۱.۶ فرزند است. این شکاف، ریشه در عوامل فرهنگی و اقتصادی دارد. در فرهنگ افغانستانی، خانواده پرجمعیت نماد توانمندی و جایگاه اجتماعی است و کودکان به‌عنوان نیروی کار آینده و پشتوانه اقتصادی خانواده دیده می‌شوند. ازدواج زودهنگام، موانع دسترسی به روش‌های پیشگیری از بارداری و همبستگی قومی و مذهبی که فرزندآوری را بخشی از حفظ هویت می‌داند، این روند را تقویت کرده است. پیامدهای این وضعیت فراتر از آرقام است. رشد سریع جمعیت مهاجر، فشار سنگینی بر نظام آموزش، بهداشت، مسکن و خدمات شهری وارد می‌کند. افزایش دانش‌آموزان و بیماران در مناطق پر تراکم مهاجر، زیرساخت‌های عمومی را به چالش می‌کشد و در بلندمدت می‌تواند شکاف‌های فرهنگی و اجتماعی را میان جامعه میزبان و مهاجر عمیق‌تر کند.

آینده‌ای با مدیریت بهتر

حضور اتباع غیرمجاز در ایران، هزینه‌های هنگفتی به اقتصاد، امنیت و زیرساخت‌های عمومی کشور تحمیل کرده است. از یارانه‌های کلان انرژی و نان گرفته تا فشار بر بازار کار، مسکن و آموزش، این معضل نیازمند اقدام فوری و قاطع است. ساماندهی دقیق اتباع مجاز و خروج قدرتمندانه غیرمجازها، نه تنها منابع ملی را حفظ می‌کند، بلکه فرصت‌های شغلی و خدمات عمومی را به شهروندان ایرانی بازمی‌گرداند. اکنون که دولت گام‌هایی در این مسیر برداشته، زمان آن است که با اصلاح سیاست‌های مهاجرتی و اقتصادی آینده ایران را به کیسه غیر نریزیم. این داده‌ها نشان می‌دهد که سیاست‌گذاری درباره مهاجران افغانستانی نمی‌تواند صرفاً به مسائل امنیتی یا اقامتی محدود شود. این پدیده با اقتصاد معیشتی، سیاست‌های جمعیتی و ساختار فرهنگی کشور گره خورده است. گفت‌وگوی پیش‌رو با پاراحمدی، ابعاد این چالش‌راز منظر قانون، اقتصاد و زیرساخت‌ها بررسی می‌کند و نشان می‌دهد چرا مدیریت این مسئله نیازمند نگاهی یکپارچه، واقع‌بینانه و مبتنی بر شواهد است. نادر پاراحمدی رئیس مرکز امور اتباع و مهاجرین خارجی وزارت کشور در گفت‌وگویی اختصاصی با هفت‌صبح به جزئیات طرح اخراج اتباع غیرمجاز در ایران پرداخت.

گروه اجتماعی: در سال‌های اخیر، حضور پرشمار مهاجران افغانستانی در ایران به یکی از موضوعات مهم اجتماعی و اقتصادی بدل شده است. برآورد نشان می‌دهد حدود ۶ میلیون افغانستانی در کشور زندگی می‌کنند؛ جمعیتی که نه‌تنها در بافت فرهنگی و جمعیتی شهرهای میزبان تأثیر گذاشته، بلکه در مصرف آب‌و‌هوا، اسباب‌و‌تأسیسات و خدمات‌های جمعیتی نیز سهم قابل‌توجهی دارد. وقتی صحبت از ۶ میلیون مهاجر افغانستانی در ایران می‌شود، اعداد به تنهایی داستان را روایت نمی‌کنند. سالانه ۲۲۰ میلیون دلار یارانه نان، ۲۳۰ هزار تولد با نرخ باروری سه برابر میانگین کشور و کاهش ۶ درصدی مصرف نان تنها با بازگشت ۷۷۲ هزار نفر از اتباع غیرمجاز است که سیاست‌گذاری را به ازمونی سخت‌دعوت می‌کند به‌گونه‌ای که در سال‌های اخیر، حضور پرشمار مهاجران افغانستانی در ایران به یکی از پیچیده‌ترین چالش‌های اجتماعی و اقتصادی کشور بدل شده است. برآورد رسمی، جمعیت این مهاجران را حدود ۶ میلیون نفر تخمین می‌زند؛ جمعیتی که نه‌تنها در بافت فرهنگی و جمعیتی شهرهای میزبان اثر گذاشته، بلکه ردپای آن در مصرف کالاهای اساسی و شاخص‌های جمعیتی نیز آشکار است.

یارانه نان؛ هزینه‌ای چند صد میلیون دلاری

بر اساس آمار، هر ایرانی به‌طور میانگین ماهانه ۲۰۰ هزار تومان یارانه نان دریافت می‌کند؛ یعنی سالانه ۲.۴ میلیون تومان. برای جمعیت ۶ میلیون نفری مهاجران افغانستانی، این رقم به ۱۴.۴ هزار میلیارد تومان (معادل ۱۶۰ میلیون دلار با نرخ ارز ۹۰ هزار تومانی) می‌رسد. اما گزارش‌های میدانی نشان می‌دهد مصرف نان میان این گروه چند برابر میانگین ایرانی‌هاست. اگر این مصرف را دو برابر فرض کنیم، بار مالی یارانه نان به ۲۸۸ هزار میلیارد تومان، یعنی ۳۲۰ میلیون دلار در سال، بالغ می‌شود. اما نکته تأمل‌برانگیز اینجاست که با بازگشت تنها ۷۷۲ هزار نفر (۰.۸۴ درصد جمعیت ایران) از ابتدای سال و بنا به گفته وزیر کشور مصرف نان کشور ۶ درصد کاهش یافته است. این یعنی هر مهاجر غیرمجاز به‌طور میانگین حدود ۷ برابر یک ایرانی نان مصرف می‌کند که رقمی نزدیک به ۱۰۱ هزار میلیارد تومان می‌رسد که با نرخ هر دلار ۹۰ هزار تومان رقمی معادل ۱۰۱.۲ میلیارد دلار می‌شود. واقعیتی که ریشه در ساختار سبد غذایی خانواده‌های کم‌درآمد مهاجر دارد، جایی که نان اصلی‌ترین منبع تأمین کالری است.

تفاوت چشمگیر میان الگوهای

مصرف و نرخ زاد و ولد

مسئله اما به یارانه نان محدود نمی‌شود. نرخ زادوولد در

یادداشت

از خرافات کهن تا نوآوری‌های مدرن؛ چپ‌دست‌ها و چالش‌های پنهانی که در دنیای راست‌دستان تجربه می‌کنند

جهان از نگاه چپ‌دست‌ها



روز ۱۳ آگوست برابر با ۲۲ مرداد ماه به نام روز جهانی چپ‌دست‌ها نام‌گذاری شده است. بنیان‌گذار این روز، فردی آمریکایی به نام «دین آر. کمپبل» است. او که خود یک چپ‌دست بود، با آگاهی از مشکلات، چالش‌ها و خرافاتی که در خصوص چپ‌دستی تجربه کرده بود، در سال ۱۹۷۶ با شاگه چپ‌دست‌ها را تأسیس و این روز را برای اعضای شاگه روز گردهمایی چپ‌دست‌ها اعلام و در نهایت سال ۱۹۹۲ این روز، روز چپ‌دست‌ها نام‌گذاری شد.

او معتقد بود چون در بسیاری از فرهنگ‌ها و زبان‌ها، چپ در تقابل با راست قرار دارد، بنابراین واژه چپ معمولاً با تعبیر منفی مانند نادرستی، ناراستی و کژی هم‌ارز پنداشته می‌شود. در زبان فارسی نیز، هنوز هم عباراتی مانند: «چپ‌چپ نگاه کردن»، «نگاه چپ به کسی انداختن»، «از دنده چپ بلند شدن»، «چپ شدن (واژگون شدن)» و «خواب‌ظن چپ است» نوعی مفهوم منفی را القاء می‌کنند. کمپبل معتقد بود اطلاق لفظ چپ‌دست می‌تواند به‌طور غیر مستقیم به اعتبار افراد دارای این ویژگی لطمه وارد کند. راست‌دست بودن و چپ‌دست بودن افراد، بر مبنای اولویت آنها در استفاده از یک دست برای انجام مهارت‌های حرکتی است. این اولویت حتی قبل از مرله نوشتن هم در کودکان تا حدی قابل تشخیص است. از نظر عصب‌شناسی، چپ‌دستی صرفاً یک تمایل طبیعی ناشی از یک سوپرتری مغز در استفاده از دست چپ برای انجام کارهای گوناگون است؛ یعنی همان کاری که مغز برای راست‌دست‌ها در جهت مخالف انجام می‌دهد. از نظر روانشناسی نیز، چپ‌دستی یک ویژگی‌ی ص� در صد اکتسابی نیست که یک فرد آگاهانه و تعمداً در انتخاب آن نقش داشته باشد. هدف دوم کمپبل آگاهی‌بخشی جامعه در خصوص چالش‌هایی بود که چپ‌دست‌ها با سه روز تأخیر مبارک!



جدال میلیار دی ایران خودرو و سازمان تعزیرات حکومتی بر سر قیمت‌ها

تعزیرات مقابل ایران خودرو نبرد بر سر فرمان بازار

حکم ۸۱۲۱ میلیارد ریالی علیه بزرگ‌ترین خودروساز کشور بحث خودرو را به خط مقدم دعوی حقوقی کشاند



گروه اقتصاد | بازار خودرو ایران شاهد رویارویی تمام‌عیار بین سازمان تعزیرات حکومتی و ایران خودرو، بزرگ‌ترین خودروساز کشور، است. روز چهارشنبه ۲۲ مرداد ۱۴۰۴، شعبه دوم بدوی تعزیرات حکومتی تهران، ایران خودرو را به اتهام گران‌فروشی به مبلغی معادل ۸۱۲۱ میلیارد ریال محکوم و این شرکت را وادار کرد تا به فروش مستمر خودروهای خود با قیمت‌های مصوب قبلی اقدام کند. تعزیرات همچنین مدعی محکومیت اعضای هیئت‌مدیره شد. اما ایران خودرو در اطلاعاتی‌های در ۲۳ مرداد، این اتهامات را «کذب محض» و «افترا» خواند و ادعا کرد که گزارش قیمت‌ها قانونی بوده و تعزیرات با برداشت نادرست از قانون، به تولید ۶۶ هزار کارگر و میلیون‌ها سهام‌دار این شرکت ضربه زده است.

تعزیرات چه می‌گوید؟

طبق گزارش سازمان حمایت مصرف‌کنندگان و تولیدکنندگان، ایران خودرو بدون مجوز قانونی قیمت خودروهای تولیدی را افزایش داده و به مصرف‌کنندگان زیان وارد کرده است. شعبه دوم بدوی تعزیرات، به استناد ماده ۱۲۹ بین‌نامه این سازمان (اصلاحی ۱۲ فروردین ۱۴۰۳)، قرار تأمینی صادر کرد که بند ۱۰۵ صورت جلسه هیئت‌مدیره ایران خودرو در ۲۰ خرداد ۱۴۰۴ را متوقف و این شرکت را از فروش خودروها با قیمت‌های جدید منع کرد. سید یاسر رایگانی، مدیر کل روابط‌عمومی تعزیرات، تأکید کرد که این حکم به دلیل «آثار ملی و اهمیت اجتماعی» پرونده و تعداد بالای متقاضیان خرید خودرو صادر شده تا از زیان بیشتر به مصرف‌کنندگان جلوگیری شود. افزوده که ادعای ایران خودرو مبنی بر ابرام در دستور فروش و دفاعیات قانونی «کاملاً مردود» است و اقدام این شرکت در انتشار اطلاعاتی علیه حکم می‌تواند «تشویش آذهان عمومی» تلقی شود. رایگانی همچنین مدعی شد که اعضای حقیقی هیئت‌مدیره محکوم شده‌اند و قرار تأمین برای محدود کردن برخی فعالیت‌های شغلی آنان صادر شده تا از تکرار تخلف جلوگیری شود. تعزیرات تأکید دارد که این اقدام پس از بررسی کارشناسی سازمان حمایت و با رعایت تشریفات قانونی انجام شده و اقدام رئیس شعبه دوم با این تصمیم قاطع شایسته تقدیر است. این حکم که تا صدور رأی قطعی غیرقابل اعتراض است، ایران خودرو را ملزم کرده تا به عرضه مستمر و علی‌الحساب خودروها با قیمت‌های مصوب قبلی ادامه داده و خواستار اطلاع‌رسانی عمومی برای پیشگیری از تخلفات بیشتر شده است.

پاسخ تند ایران خودرو: اتهامات بی‌اساس است ایران خودرو در اطلاعاتی‌های آتشین در ۲۳ مرداد ۱۴۰۴، اتهامات تعزیرات را قاطعانه رد کرد. عادل پیرجمدی، مدیرعامل این شرکت، در نامه‌ای به مدیر نظارت بر ناشران سازمان بورس، اعلام کرد که ادعای گران‌فروشی «ته‌آحراز شده و نه اثبات» و استفاده تعزیرات از لفظ «اثبات» در مرحله بدوی، شتاب‌زده و غیرقانونی است. او تأکید کرد که این قرار تنها علیه شخصیت حقوقی شرکت است و ادعای محکومیت اعضای هیئت‌مدیره «کذب محض» است، زیرا تنها نمایندگان حقوقی در جلسه تعزیرات حضور داشتند. ایران خودرو مدعی است که افزایش قیمت‌ها کاملاً قانونی بوده و با استناد

به رأی هیئت عمومی دیوان عدالت اداری، که ضوابط قیمت‌گذاری سازمان حمایت را باطل کرده، و بند ۲-۲ جزء «ث» ماده ۴۸ قانون برنامه هفتم توسعه که قیمت‌گذاری در بازارهای غیرانحصاری را ممنوع کرده، انجام شده است. این شرکت به افزایش ۵۵ درصدی هزینه نهاده‌های تولید از آبان ۱۴۰۳ اشاره کرد و گفت که به‌روزرسانی قیمت‌ها ضرورتی اقتصادی بوده و اتهام گران‌فروشی «تشرکات‌اذیب و افترا» است. ایران خودرو حق پیگیری قضایی این اتهامات را برای خود محفوظ دانست و اعلام کرد که با وجود تمکین به حکم به دلیل ابهامات جدی در اجرا و عدم رعایت آیین‌نامه‌ها، قانون اساسی و قواعد جاری، در محاکم قضایی ذی‌صلاح از حقوق خود دفاع خواهد کرد.

امیدی به کاهش قیمت وجود دارد؟

حکم تعزیرات، که ایران خودرو را به فروش خودروها با قیمت‌های مصوب قبلی ملزم کرده است می‌تواند برای مصرف‌کنندگانی که با قیمت‌های نجومی و صف‌های طولانی خرید خودرو دست‌وپنجه نرم می‌کنند، روزنه امیدی باشد. در شرایطی که تورم ۴۱ درصدی قدرت خرید مردم را کاهش داده، کاهش قیمت‌ها می‌تواند دسترسی به خودرو را برای اقشار متوسط و پایین‌آسان‌تر کند. اما پاسخ تند ایران خودرو و ادعای قانونی بودن افزایش قیمت‌ها، تردیدهایی دربارۀ اجرای این حکم ایجاد کرده است. ایران خودرو هشدار داده که فشارهای تعزیرات می‌تواند به کاهش تولید، آسیب به ۶۶ هزار کارگر و زیان به میلیون‌ها سهام‌دار منجر شود. این شرکت همچنین مدعی است که بدون به‌روزرسانی قیمت‌ها، توانایی ادامه تولید در برابر هزینه‌های رو به رشد را نخواهد داشت. آیا مصرف‌کنندگان شاهد کاهش قیمت‌ها خواهند بود یا این جدال حقوقی به ادامه گران‌ها منجر می‌شود؟

جدال حقوقی یا بازی قدرت؟

ایران خودرو در اطلاعیه خود، تعزیرات و وزارت صمت را متهم کرده که بدون توجه به قوانین جدید، مانند ابطال ضوابط قیمت‌گذاری توسط دیوان عدالت اداری و ممنوعیت قیمت‌گذاری در بازارهای غیرانحصاری طبق قانون برنامه هفتم، با «فشار و تهدید» حقوق این شرکت

حکم ۸۱۲۱ میلیارد ریالی علیه ایران خودرو، جدالی بی‌سابقه بین بزرگ‌ترین خودروساز کشور و تعزیرات بر سر قیمت‌ها را شعله‌ور کرد و امید و تردید را همزمان به بازار خودرو آورد

تعزیرات با اتهام گران‌فروشی، ایران خودرو را به بازگشت به قیمت‌های قبلی واداشت؛ تصمیمی که می‌تواند قیمت‌ها را کاهش دهد اما خطر افت تولید و زیان کارگران را به همراه دارد



ایران خودرو در مراحل قضایی موفق به ابطال این حکم شد. اعتماد عمومی به نهادهای نظارتی ممکن است بیش از پیش تضعیف شود. مصرف‌کنندگان، که سال‌هاست با قیمت‌های نجومی، تأخیر در تحویل خودرو و کیفیت پایین محصولات دست‌وپنجه نرم می‌کنند، در میانه این کشمکش گرفتار شده‌اند. انتشار عمومی این حکم توسط تعزیرات، گامی در جهت شفافیت است، اما موفقیت آن به اجرای دقیق و پاسخگویی ایران خودرو بستگی دارد.

ایران خودرو اتهامات تعزیرات را «کذب محض» خواند و با استناد به قوانین جدید، افزایش قیمت‌ها را قانونی دانست. نبردی که فراتر از یک اختلاف حقوقی به بازی قدرت تبدیل شده است

را نقض کرده‌اند. این ادعا نشان‌دهنده اختلافات عمیق بین خودروساز و نهادهای نظارتی است. تعزیرات اما با تأکید بر غیرقابل اعتراض بودن قرار تا صدور رأی قطعی، عزم خود را برای اجرای حکم نشان داده است. رایگانی، مدیر کل روابط‌عمومی تعزیرات، اطلاعیه ایران خودرو را مصداق «تشویش آذهان عمومی» دانست و گفت که این شرکت باید به جای تمرّد، مفاد قرار را اجرا کند. این جدال حقوقی ممکن است به مراحل تجدیدنظر یا دیوان عدالت اداری کشیده شود، اما در کوتاه‌مدت، اجرای حکم به نظارت دقیق نیاز دارد.

چالش‌های اجرای حکم: واقعیت یا بهانه؟

اجرای حکم تعزیرات با موانع جدی روبه‌روست. ایران خودرو اعلام کرده که افزایش ۵۵ درصدی هزینه‌های تولید، از جمله قیمت مواد اولیه، انرژی و قطعات وارداتی، چارهای جز به‌روزرسانی قیمت‌ها باقی نگذاشته است. این شرکت مدعی است که بدون افزایش قیمت، ادامه تولید با چالش مواجه خواهد شد و این امر می‌تواند به عرضه قطره‌چکانی خودروها یا حتی توقف برخی خطوط تولید منجر شود. از سوی دیگر، تعزیرات تأکید دارد که گزارش کارشناسی سازمان حمایت، گران‌فروشی ایران خودرو را تأیید کرده و این شرکت موظف به تبعیت از قانون است. اما آیا تعزیرات می‌تواند نظارت مستمری بر اجرای این حکم داشته باشد و آیا این تصمیم، بدون توجه به واقعیت‌های اقتصادی صنعت خودرو، عملی است؟

پیامدهای گسترده: مصرف‌کننده، کارگر یا سهام‌دار؟

این نبرد حقوقی پیامدهای گسترده‌ای برای بازار خودرو و اقتصاد ایران دارد. اگر ایران خودرو مجبور به فروش با قیمت‌های قبلی شود، ممکن است قیمت‌ها موقتاً کاهش یابد، اما کاهش سودآوری می‌تواند به افت تولید یا عرضه محدود منجر شود. ایران خودرو هشدار داده که این تصمیم، ۶۶ هزار کارگر و میلیون‌ها سهام‌دار را تحت تأثیر قرار می‌دهد و می‌تواند به بی‌ثباتی اقتصادی در این صنعت کلیدی منجر شود. از سوی دیگر، اگر

پرونده ایران خودرو نشان داد که بحران صنعت خودرو فقط با جریمه و احکام مقطعی حل نمی‌شود؛ انحصار، وابستگی به واردات و ناکارآمدی، ریشه‌های عمیق‌تر این بازار پر تنش هستند

گزارش

نگاهی به قیمت اقلام اساسی و غذایی در هفته آخر مرداد بازار خوراکی‌ها تب دارد

با شروع اولین روز کاری هفته آخر مرداد ۱۴۰۴، بازار خوراکی‌های تهران حال‌وهوایی متفاوت پیدا کرده است. کمبود نهاده‌های دامی، قیمت‌ها را افزایش داده و خانواده‌ها در جست‌وجوی راه‌حل‌های تازه‌اند. در گوشه‌وکنار بازار، می‌توان رنگ افزایش قیمت‌ها را به چشم دید. میادین تره‌بار، با وعده کالاهای ارزان‌تر، به تنها پناهگاه این روزهای مردم تبدیل شده اما آیا این امید دوام خواهد آورد؟ در این میان، زمزمه‌هایی از افزایش تدریجی قیمت برنج، حبوبات و حتی روغن شنیده می‌شود و چای‌خورها از گرانی چای خارجی گلایه دارند. این بازار، سؤال‌هایی را در ذهن‌ها زنده کرده که آیا کمبود مواد اولیه تنها دلیل این گرانی‌هاست یا محرکان و دلالتان پشت پرده، نقش بزرگ‌تری ایفا می‌کنند؟

گرانی گوشت و مرغ؛ نبردی در گرمای بازار

هفته آخر مرداد ۱۴۰۴ بازار گوشت و مرغ هم داغ‌تر از همیشه شد. گزارش‌های هفتگی کالاهای اساسی که تا ۲۳ مرداد رصد شده، نشان می‌دهد کمبود نهاده‌های دامی مثل ذرت و سویا که طی چند هفته گذشته شدت گرفته، قیمت‌ها را به‌طرز چشمگیری بالا برده است. قصاب با صدای بلند می‌گفت: «گوشت سردست گوساله هفته پیش ۶۹۰ هزار تومان بود، حالا ۷۷۰ هزار تومان شده!» این جهش ۱۱۶ درصدی، تنها بخشی از افزایش قیمت‌هاست. گوشت ران گوساله هم با رشدی ۱۴ درصدی از ۷۱۰ هزار به ۸۱۰ هزار تومان رسیده و قیمت کلی گوشت گوساله حالا بین ۷۶۰ تا ۸۲۰ هزار تومان در نوسان است. این گرانی‌ها که ریشه در کمبود نهاده‌ها دارد، زندگی روزمره مردم را سخت‌تر کرده است. همین موضوع، مردم را به جست‌وجوی راه‌حل‌های ارزان‌تر سوق داده است.

بازار گوشت گوسفندی هم از این آشوب بی‌نصیب نمانده است. شقه، سردست و راسته گوسفند که هفته گذشته بین ۷۹۰ تا ۸۰۰ هزار تومان بود، همچنان در همین محدوده باقی مانده اما گوشت ران گوسفندی با قیمتی بین ۹۹۰ تا ۱ میلیون و ۳۰۰ هزار تومان، برای بسیاری رویاهایی دور از دسترس شده است. حتی گوشت منجمد گوساله با ۴۹۵ تا ۵۲۵ هزار تومان و گوشت چرخ‌کرده مخلوط با ۵۹۵ تا ۶۵۰ هزار تومان، نشان می‌دهد که هیچ گوشه‌ای از این بازار از گرانی در امان نیست. مرغ اما داستان خودش را دارد. قیمت مرغ گرم که ابتدای سال ۹۵ هزار تومان بود، حالا به ۱۲۸ هزار تومان در هر کیلو رسیده و خانواده‌ها را به فکر چاره‌اندیشی انداخته است. ران مرغ بدون کمر با ۱۱۸ هزار تومان (که هفته قبل ۹۹ هزار و ۹۰۰ تومان بود) و با کمر با ۹۵ هزار تومان، هنوز گزینه‌ای ارزان‌تر نسبت به گوشت قرمز است. تخم‌مرغ هم با ۱۴۹ هزار تومان برای شانه ۳۰ عددی و ۱۲۷ هزار تومان برای شانه ۲۰ عددی، ثبات نسبی داشته اما برای خانواده‌های پرجمعیت، این قیمت‌ها هم چنگی به دل نمی‌زند.

پناه بردن به میادین تره‌بار

در این میان، میادین میوه و تره‌بار به تنها امید مردم تبدیل شده است. اینجا گوشت گوسفندی ۲۳ درصد، گوساله ۱۸ درصد و مرغ ۱۵ درصد ارزان‌تر از فروشگاه‌های سطح شهر عرضه می‌شود. تخم‌مرغ شانه ۲ کیلوگرمی با ۱۹ درصد تخفیف، حبوبات با ۲۱ درصد و برنج داخلی درجه یک با ۹ درصد کاهش قیمت، برای کسانی که توان خرید از بازار آزاد را ندارند، شرایط بهتری دارد. قند با ۳ درصد و شکر با ۸ درصد تخفیف هم در این میادین، کمی از بار گرانی‌ها را کم کرده است. پیرمردی در میدان تره‌بار آل احمد می‌گفت: «اینجا حداقل می‌توانم با ۷۰۰ هزار تومان گوشت گوساله بخرم، در حالی که بیرون ۸۲۰ هزار تومان می‌گیرند!» این تفاوت قیمت، بسیاری را به سمت این مراکز کشانده، اما آیا این راه‌حل دائمی است؟

دیگر کالاهای در تله افزایش قیمت

بازار کالاهای اساسی دیگر هم از این ماجرا بی‌نصیب نمانده است. برنج هاشمی که هفته قبل ۲۴۰ هزار تومان بود، حالا به ۲۰۰ هزار تومان رسیده، اما طارم با ۲۷۰ هزار تومان و شمشیری با ۲۱۰ هزار تومان هنوز گران است. برنج هندی کیسه ۱۰ کیلویی با ۵۶۹ هزار و ۳۵۰ تومان ثبات داشته، اما لوبیا قرمز ۸۰۰ گرمی با ۳۲۱ هزار و ۵۰۰ تومان و لیه ۹۰۰ گرمی با ۳۰۳ هزار و ۹۰۰ تومان، بار سنگینی بر دوش خانواده‌هاست. روغن آفتابگردان ۱۶ لیتری با ۱۵۷ هزار و ۵۰۰ تومان و ۱٫۸ لیتری با ۱۴۰ هزار و ۷۰۰ تومان، کنسرو ماهی ۱۸۰ گرمی با ۱۰۸ هزار تومان و رب گوجه‌فرنگی ۸۰۰ گرمی با ۹۷ تا ۹۹ هزار و ۹۰۰ تومان، همه نشان از افزایش تدریجی قیمت‌ها دارند. حتی چای خارجی ۵۰۰ گرمی با ۵۷۴ هزار و ۹۰۰ تومان، برای چای‌خورهای حرفه‌ای هم گران تمام می‌شود.

آینده‌ای مبهم در انتظار سفره‌ها

این گرانی‌ها که ریشه در کمبود نهاده‌ها دارد، تنها بخشی از داستان است. برخی فروشندگان می‌گویند اگر تأمین نهاده‌ها ادامه‌دار شود، قیمت‌ها ممکن است بیشتر هم شود. در این میان، مردم با کاهش مصرف گوشت و مرغ و روی آوردن به گزینه‌های ارزان‌تر مثل تخم‌مرغ و حبوبات، سعی در مدیریت هزینه‌ها دارند اما آیا این راه‌حل کافی است؟ کارشناسان معتقدند بدون افزایش تولید داخلی نهاده‌ها و کنترل بازار، این روند ادامه خواهد داشت. مصرف‌کنندگان امیدوارند دولت با تدابیری مثل یارانه یا عرضه بیشتر در میادین، بار این گرانی را کم کند اما تا آن زمان، سفره‌های ایرانی همچنان در گرمای اواخر تابستان، طعم تلخ گرانی را خواهند چشید.

شناسه آگهی: ۱۹۸۴۲۵۹

آگهی

مناقصه عمومی

اداره کل مهندسی و املاک بانک ملی ایران در نظر دارد شرکتهای واجد صلاحیت به منظور تجدید مناقصه طراحی، تأمین تجهیزات، نصب و راه اندازی ۵۷۵ نیروگاه خورشیدی انشعایی مستقل از شبکه ۶ کیلووات بانک ملی ایران واقع در سراسر کشور را بدوا ارزیابی کیفی نموده و متعاقباً نسبت به واگذاری کار از طریق برگزاری مناقصه دو مرحله ای (ارسال دعوت نامه به پیمانکاران واجد صلاحیت شده در مرحله ارزیابی کیفی) اقدام نماید، لذا بدینوسیله از کلیه شرکتهایی که دارای گواهینامه پیمانکاری حداقل رتبه ۴ صلاحیت پیمانکاری نیرو از سازمان برنامه و بودجه کشور و همچنین قرار داشتن در فهرست پیمانکاران انشعایی دارای ظرفیت نامحدود یا کمالاتی مورد تأیید ساتبا می باشند، دعوت می گردد از تاریخ ۱۴۰۴/۵/۲۵ لغایت ۱۴۰۴/۶/۰۱ صرفاً از طریق سامانه الکترونیک دولت (ستاد) به آدرس: www.Setadiran.ir نسبت به تهیه مدارک فراخوان اقدام و در موعد مقرر اسناد درخواستی را در سامانه ستاد بارگذاری نمایند.

– آخرین مهلت بارگذاری و ارسال اسناد صرفاً از طریق سامانه ستاد: روز شنبه ۱۴۰۴/۰۶/۱۵ ساعت ۱۹

م الف ۱۸۶۳

اداره کل مهندسی و املاک بانک ملی ایران

زمینه تاریخی و ایدئولوژیک «اسرائیل بزرگ»

مفهوم «اسرائیل بزرگ» ریشه در روایت‌های توراتی و ایدئولوژی صهیونیسم دینی دارد که از سوی نهادهایی چون «موسسه تورات و زمین» ترویج می‌شود. این مفهوم که مرزهای ادعایی رژیم صهیونیستی را از رود نیل در مصر تا رود فرات در عراق و سوریه ترسیم می‌کند، از منظر تاریخی به ایده ادعایی «سرزمین موعود» گره خورده‌است. این دیدگاه که در گذشته بیشتر در حاشیه جریان‌های راست افراطی صهیونیستی مطرح بود، با اظهارات اخیر نتانیاوه به سطح سیاست رسمی رژیم صهیونیستی ارتقا یافته‌است.

نتانیاوه در مصاحبه خود با تأکید بر «ارتباط عاطفی» و «مأموریت تاریخی و معنوی» خود، آشکارا به این روایت توراتی متوسل شد. این موضع‌گیری که از سوی «شارون گال» مجری شبکه ۱۲۴ و عضو سابق حزب راست‌گرای «یسرائیل بیتنو» با اهدای گردنبندی مزین به نقشه «اسرائیل بزرگ» تقویت شد، نشان‌دهنده یک تغییر پارادایم در گفت‌وگوهای رسمی تل‌آویو است. برخلاف گذشته که چشمانداز تاریخی به وزرای افراطی کابینه مانند «بزئال اسموئیل» یا «یتسار بن گوریر» محدود می‌شد، تأیید صریح نتانیاوه از این ایده، آن را به خط‌مشی رسمی رژیم تبدیل کرده‌است.

این تغییر گفت‌وگویی نه تنها به معنای پذیرش رسمی ایدئولوژی صهیونیسم دینی است، بلکه می‌تواند نشانه‌ای از تلاش نتانیاوه برای جلب حمایت جریان‌های راست‌گرای داخلی و هاداران مسیحی صهیونیست در غرب، به‌ویژه در ایالات متحده باشد. با این حال، این موضع‌گیری در شرایطی مطرح شده که رژیم صهیونیستی با چالش‌های داخلی از جمله بحران سیاسی و انزوای بین‌المللی به‌دلیل تجاوزات مستمر به غزه و کرانه باختری، مواجه‌است.

اسرائیل بزرگ: توهم یا طرح؟

اظهارات نتانیاوه درباره «اسرائیل بزرگ» و مذاکره با «کشورهای متعدد» برای اسکان فلسطینی‌ها، به‌عنوان بخشی از طرحی برای «مهاجرت داوطلبانه» ساکنان غزه و واکنش‌های تندری را در جهان عرب برانگیخت. این اظهارات که با سیاست‌های میدانی رژیم صهیونیستی، ازجمله گسترش شهرک‌سازی در کرانه باختری و محاصره غزه، همخوانی دارد، به‌عنوان تهدیدی مستقیم علیه امنیت ملی کشورهای

کریدور داوود به‌عنوان بخشی از طرح‌های ژئوپلیتیکی برای اتصال مناطق تحت کنترل رژیم صهیونیستی به خلیج فارس از طریق خاک اردن و عربستان سعودی مطرح شده، نه تنها به‌دنبال تغییر نقشه جمعیتی فلسطین است، بلکه می‌تواند معادلات اقتصادی و سیاسی منطقه را نیز دگرگون کند.

واکاوی رویای «اسرائیل بزرگ» نتانیاوه

فراسوی نیل و فرات

اظهارات نتانیاوه درباره «مهاجرت داوطلبانه» ساکنان غزه نشان‌دهنده برنامه‌ای سازمان‌یافته برای تغییر بافت جمعیتی فلسطین اشغالی است

حسین فاطمی
نخست‌وزیر رژیم صهیونیستی در مصاحبه با شبکه ۱۲۴ | درباره رویای «اسرائیل بزرگ» و مأموریت تاریخی و معنوی او، نه تنها موجی از واکنش‌های تند در جهان عرب و منطقه برانگیخت، بلکه پرده از نیات راهبردی عمیق تر تل‌آویو در قبال معادلات منطقه‌ای برداشت. این اظهارات که در بحبوحه تنش‌های جاری در فلسطین اشغالی، غزه، لبنان و دیگر نقاط منطقه مطرح شد، فراتر از یک موضع‌گیری سیاسی یا تبلیغاتی، به‌عنوان بخشی از یک پروژه کلان توسعه‌طلبانه تفسیر شده، لذا به جای واکنش‌های احساسی جا دارد که به بررسی ابعاد این اظهارات، زمینه‌های تاریخی و ایدئولوژیک آن و پیامدهایش بر ثبات منطقه‌ای پرداخت.

حسین فاطمی
نخست‌وزیر رژیم صهیونیستی در مصاحبه با شبکه ۱۲۴ | درباره رویای «اسرائیل بزرگ» و مأموریت تاریخی و معنوی او، نه تنها موجی از واکنش‌های تند در جهان عرب و منطقه برانگیخت، بلکه پرده از نیات راهبردی عمیق تر تل‌آویو در قبال معادلات منطقه‌ای برداشت. این اظهارات که در بحبوحه تنش‌های جاری در فلسطین اشغالی، غزه، لبنان و دیگر نقاط منطقه مطرح شد، فراتر از یک موضع‌گیری سیاسی یا تبلیغاتی، به‌عنوان بخشی از یک پروژه کلان توسعه‌طلبانه تفسیر شده، لذا به جای واکنش‌های احساسی جا دارد که به بررسی ابعاد این اظهارات، زمینه‌های تاریخی و ایدئولوژیک آن و پیامدهایش بر ثبات منطقه‌ای پرداخت.

کریدور داوود و معادلات ژئوپلیتیک

یکی از جنبه‌های کمتر مورد توجه قرار گرفته اما کلیدی در اظهارات نتانیاوه، اشاره به مذاکرات با «کشورهای متعدد» برای اسکان فلسطینی‌هاست که می‌تواند به پروژه «کریدور داوود» مرتبط باشد. این کریدور که به‌عنوان بخشی از طرح‌های ژئوپلیتیکی برای اتصال مناطق تحت کنترل رژیم صهیونیستی به خلیج‌فارس از طریق خاک اردن و عربستان سعودی مطرح شده، نه تنها به‌دنبال تغییر نقشه جمعیتی فلسطین است، بلکه می‌تواند معادلات اقتصادی و سیاسی منطقه را نیز دگرگون کند. این طرح که با حمایت ضمنی برخی قدرت‌های غربی همراه بوده، به‌عنوان تلاشی برای تضعیف محور مقاومت و تقویت عربی توصیف کردند. این اظهارات همچنین به‌عنوان «سیلی پیداریش» برای کشورهایی که به عادی‌سازی روابط با رژیم صهیونیستی تمایل دارند، تفسیر شده‌است. کاربران شبکه‌های اجتماعی در جهان عرب، این سخنان را نه تنها نشانه‌ای از نیات توسعه‌طلبانه تل‌آویو، بلکه هشداری به دولت‌های عربی دانستند که خلع سلاح گروه‌های مقاومت، ازجمله حماس، حزب‌الله و جنبش جهاد اسلامی، می‌تواند راه را برای پیشبرد این پروژه هموار کند.



روای «اسرائیل بزرگ» نتانیاوه نه تنها یک چالش برای فلسطین و کشورهای همسایه، بلکه آزمونی برای وحدت و همبستگی جهان عرب است. تداوم سکوت یا ضعف در برابر این تهدید، می‌تواند به پیشبرد اهداف توسعه‌طلبانه رژیم صهیونیستی منجر شود

فوری اتحادیه عرب، بر لزوم اقدامات عملی برای توقف این طرح‌ها تأکید کرد.

آینده مبهم در پس یک رویای خطرناک اظهارات نتانیاوه، هرچند در ظاهر به‌عنوان یک موضع‌گیری ایدئولوژیک مطرح شده، اما در عمل پیامدهای عمیقی برای ثبات منطقه‌ای و روابط بین‌المللی رژیم صهیونیستی خواهد داشت. از یک سو، این اظهارات می‌تواند به انزوای بیشتر تل‌آویو در عرصه جهانی منجر شود، به‌ویژه در شرایطی که جامعه بین‌المللی به‌دلیل تجاوزات مستمر به غزه و کرانه باختری، فشارهای فزاینده‌ای بر این رژیم وارد می‌کند. از سوی دیگر، حمایت ضمنی برخی قدرت‌های غربی، به‌ویژه ایالات متحده از طرح‌های توسعه‌طلبانه رژیم صهیونیستی، می‌تواند به تداوم این سیاست‌ها دامن بزند.

برای کشورهای منطقه، به‌ویژه اردن، مصر و عراق، که مستقیماً در نقشه ادعایی «اسرائیل بزرگ» قرار دارند، این اظهارات هشدار جدی است. واکنش فوری اردن و حکومت صریح این اظهارات، نشان‌دهنده درک این تهدید است اما کافی نیست. تشکیل یک جبهه متحد عربی و اسلامی با محوریت حمایت از مقاومت فلسطینی و توقف محاصره غزه، می‌تواند به‌عنوان یک راهبرد موثر برای مقابله با این پروژه عمل کند. در نهایت، روای «اسرائیل بزرگ» نتانیاوه نه تنها یک چالش برای فلسطین و کشورهای همسایه، بلکه آزمونی برای وحدت و همبستگی جهان عرب است. تداوم سکوت یا ضعف در برابر این تهدید، می‌تواند به پیشبرد اهداف توسعه‌طلبانه رژیم صهیونیستی منجر شود. با این حال، هوشیاری گروه‌های مقاومت و واکنش‌های مردمی در شبکه‌های اجتماعی نشان‌دهنده پتانسیل بالای منطقه برای مقابله با این طرح‌هاست. مشروط بر اینکه این واکنش‌ها از سطح محکومیت کلامی به اقدامات عملی و هماهنگ ارتقا یابد.



تبعات اعلام اخوان المسلمین به‌عنوان سازمان تروریستی توسط دولت ترامپ

شمشیر روبسته واشنگتن برای اسلام سیاسی

گروه سیاسی | تصمیم دولت دونالد ترامپ برای امضای لایحه‌ای دوحیزی در کنگره که اخوان‌المسلمین را به‌عنوان سازمان تروریستی معرفی می‌کند، نقطه عطفی در سیاست خارجی ایالات متحده در قبال اسلام سیاسی است. این اقدام که با حمایت سناتور «تد کروز» و قانون‌گذاران هر دو حزب در مجلس نمایندگان پیش می‌رود، نه تنها به دنبال تغییر معادلات منطقه‌ای است، بلکه تبعات گسترده‌ای بر روابط دیپلماتیک آمریکا، به‌ویژه با ترکیه خواهد داشت.

تغییر پارادایم در سیاست خارجی آمریکا

تصویب لایحه «قانون تعیین اخوان‌المسلمین به‌عنوان سازمان تروریستی ۲۰۲۵» نشان‌دهنده چرخشی قاطع در رویکرد ایالات متحده به جنبش‌های اسلام‌گراست. این لایحه که ریشه در تلاش‌های نام‌گذاری دولت اول ترامپ در سال ۲۰۱۹ دارد، با فشار کشورهایی مانند مصر، امارات متحده عربی و اردن تقویت شده که پیش‌تر اخوان‌المسلمین را به دلیل فعالیت‌های مرتبط با سلاح، مواد منفجره و جنگ پهنادی غیرقانونی کرده‌اند.

این تصمیم که با اظهارات «مارکو روبیو» وزیر خارجه آمریکا، مبنی بر قرار گرفتن شاخه‌های مختلف اخوان در فهرست سازمان‌های تروریستی تأیید شده، رویکردی تهاجمی‌تر نسبت به جنبش‌های سیاسی اسلام‌گرا را نشان می‌دهد. برخلاف دولت بایدن که تمایلی به پیگیری این موضوع نداشت، دولت ترامپ با حمایت کنگره تحت کنترل جمهوری خواهان، به دنبال قطع منابع مالی و محدود کردن فعالیت‌های اخوان در سطح جهانی است. این تغییر که به پهنانه امنیت ملی و ارتباط اخوان با گروه‌هایی مانند حماس توجیه می‌شود، می‌تواند به انزوای بیشتر جنبش‌های اسلام‌گرا منجر شود اما همزمان خطر تشدید تنش با اردوغان که پیش‌تر در برابر فشارهای آمریکا برای کاهش حمایت از اخوان مقاومت کرده، ممکن است این تصمیم را به‌عنوان

تأثیر بر روابط آمریکا و ترکیه

ترکیه تحت رهبری «رجب طیب اردوغان» به‌عنوان یکی از مهم‌ترین حامیان اخوان‌المسلمین در منطقه شناخته می‌شود. اردوغان نه تنها از این جنبش به‌عنوان یک نیروی سیاسی مشروع حمایت کرده، بلکه آن را به‌عنوان ابزاری برای گسترش نفوذ ترکیه در خاورمیانه

و شمال آفریقا به کار برده‌است. تعیین اخوان به‌عنوان سازمان تروریستی توسط آمریکا، به‌ویژه با توجه به حمایت اردوغان از شاخه‌های اخوان در کشورهایی مانند مصر و قطر، می‌تواند به یک نقطه عطف منفی در روابط واشنگتن و آنکارا تبدیل شود.

این اقدام که به معنای غیرقانونی اعلام شدن فعالیت‌های اخوان در آمریکا و اعمال تحریم‌های مالی، محدودیت‌های مسافرتی و اقدامات قضایی علیه اعضای آن است، احتمالاً واکنش تندتر ترکیه را برمی‌انگیزد. اردوغان که پیش‌تر در برابر فشارهای آمریکا برای کاهش حمایت از اخوان مقاومت کرده، ممکن است این تصمیم را به‌عنوان

پیامدهای منطقه‌ای و دیپلماتیک گسترده‌تر

تصویب این لایحه نه تنها روابط آمریکا و ترکیه را تحت تأثیر قرار می‌دهد، بلکه می‌تواند به بازتعریف اتحادهای منطقه‌ای منجر شود. کشورهایی مانند مصر، امارات و عربستان سعودی که اخوان‌المسلمین را تهدیدی برای ثبات خود می‌دانند، از این تصمیم استقبال خواهند کرد. با این حال، این اقدام ممکن است به انزوای بیشتر آمریکا در میان جوامع و گروه‌هایی منجر شود که اخوان را به‌عنوان یک



گزارش

آسیب‌شناسی توافق سه‌جانبه ارمنستان، آذربایجان و آمریکا

تردید مسکو – تهران

به ادعاهای باکو – ایروان

عراقچی: ارمنستانی‌ها به ما گفته‌اند

تمام خط قرمزهای ایران را رعایت کرده‌اند

توافق سه‌جانبه میان ارمنستان، جمهوری آذربایجان و ایالات متحده که ۲۵ آگوست ۲۰۲۵ با میانجی‌گری دونالد ترامپ امضا شد و به «مسیر ترامپ» (TRIPP) معروف است، نقطه عطفی در معادلات قفقاز جنوبی به شمار می‌رود. این توافق که به‌ظاهر برای صلح و اتصال ترانزیتی میان آذربایجان و نخجوان از طریق خاک ارمنستان طراحی شده، پیامدهای عمیقی بر روابط منطقه‌ای، به‌ویژه برای ایران و روسیه دارد. با وجود اظهارات مقامات ارمنستان و آذربایجان مبنی بر کاهش نگرانی‌های تهران و مسکو، واقعیت‌های میدانی و مفاد توافق نشان‌دهنده پویایی‌های پیچیده‌تری است که می‌تواند به زیان منافع ایران و روسیه تمام شود. لذا باید ذیل رویکردی محتاطانه به بررسی ابعاد سیاسی، دیپلماتیک، ژئوپلیتیک و امنیتی این توافق پرداخت و با دیده تردید به ادعاهای دیپلماتیک مقامات باکو و ایروان نگریست.

تضعیف نقش منطقه‌ای ایران و روسیه

«عباس عراقچی» وزیر خارجه کشوران هفته گذشته با اشاره به توافق صلح ارمنستان و جمهوری آذربایجان گفته که «آنچه در مورد راه‌های مواصلاتی قفقاز جنوبی اتفاق افتاده با آنچه که قرار بود اتفاق بیفتد، از زمین تا آسمان فرق دارد و ارمنستانی‌ها به ما گفته‌اند تمام خط قرمزهای ایران را رعایت کرده‌اند». به‌رغم این اظهارات عراقچی، توافق سه‌جانبه با واگذاری حقوق انحصاری توسعه مسیر ۴۳ کیلومتری «ترامپ» به ایالات متحده برای ۹۹ سال، نشانه‌ای از نفوذ فزاینده واشنگتن در قفقاز جنوبی است. این اقدام که به ادعای فاکس نیوز «پویایی منطقه‌ای را تغییر می‌دهد» و مسیرهای سنتی ایران و روسیه را دور می‌زند، عملاً نقش مسکو به‌عنوان میانجی سنتی در مناقشه قره‌باغ را حذف کرده و گروه مسینسک (با حضور روسیه و فرانسه) را منحل می‌کند. این تغییر که با استقبال ظاهری روسیه همراه بوده و هشدار مسکو نسبت به مداخلات خارجی همراه است که می‌تواند روند صلح را پیچیده کند. از منظر دیپلماتیک، اظهارات «تیکول پاشینیان» نخست‌وزیر ارمنستان و «اِلهام علی‌اف» رئیس‌جمهور آذربایجان مبنی بر اینکه این توافق «علیه هیچ طرف ثالثی نیست» و حتی ممکن است برای ایران و روسیه مزایایی داشته باشد با واقعیت‌های میدانی همخوانی ندارد. پاشینیان مدعی است که این مسیر امکان دسترسی ایران به اروپا از طریق خط‌آهن خلیج‌فارس به دریای سیاه را فراهم می‌کند اما واگذاری کنترل این کریدور به آمریکا که به گفته فاکس نیوز، جای پای استراتژیک واشنگتن را تقویت می‌کند، عملاً ایران را از معادلات ترانزیتی منطقه کنار می‌زند. این تناقض میان ادعاهای دیپلماتیک و مفاد توافق، نشان‌دهنده تلاش باکو و ایروان برای کاهش فشارهای سیاسی از سوی تهران و مسکو است، در حالی که حضور آمریکا به‌عنوان مدیر این کریدور، چالشی مستقیم برای نفوذ این دو کشور ایجاد می‌کند.

تغییر موازنه قدرت در قفقاز

از منظر ژئوپلیتیک، توافق «مسیر ترامپ» نه تنها یک پروژه ترانزیتی، بلکه بخشی از استراتژی آمریکا برای مهار ایران و روسیه در قفقاز جنوبی است. این کریدور که از استان سیونیک ارمنستان عبور می‌کند، مسیر اصلی ترانزیتی ایران به اروپا را مسدود کرده و درآمد ترانزیتی ایران را ۲۰ تا ۳۰ درصد کاهش می‌دهد. این امر همچنین با تقویت محور ترکیه-آذربایجان و اتصال مستقیم باکو به نخجوان و ترکیه، موقعیت ژئوپلیتیکی ایران را تضعیف می‌کند. همچنین حضور آمریکا در نزدیکی مرزهای شمالی ایران، به‌ویژه پس از جنگ ۱۲ روزه با اسرائیل، نگرانی‌های امنیتی تهران را تشدید می‌کند چرا که این کریدور می‌تواند به پایگاه اطلاعاتی و نظامی ناتو تبدیل شود.

روسیه نیز که قفقاز را حوزه نفوذ سنتی خود می‌داند، با حذف نقش ضامن امنیتی خود در این توافق مواجه شده‌است. این امر، به‌ویژه در سایه محدودیت‌های ناشی از جنگ اوکراین و تحریم‌های غرب، توانایی مسکو برای حفظ نفوذ در منطقه را کاهش می‌دهد. با این حال، اظهارات مقامات روس که این توافق را «مثبت» اما نیازمند مشارکت منطقه‌ای می‌دانند، نشان‌دهنده تلاش برای حفظ ظاهر دیپلماتیک است، در حالی که واقعیت‌های میدانی از کاهش نفوذ مسکو حکایت دارد.



تهدیدات مستقیم برای ایران

از منظر امنیتی، حضور آمریکا در «مسیر ترامپ» به‌عنوان یک کریدور تحت کنترل واشنگتن، تهدیدی مستقیم برای ایران است. این کریدور که در مجاورت مرزهای ایران قرار دارد، می‌تواند به ابزاری برای نظارت و عملیات اطلاعاتی علیه تهران تبدیل شود، به‌ویژه با توجه به سابقه همکاری‌های نظامی آذربایجان با اسرائیل. علاوه بر این، لغو متمم ۹۰۷ قانون آزادی توسط ترامپ که همکاری نظامی با آذربایجان را تسهیل می‌کند، می‌تواند به تسلیح بیشتر باکو منجر شود، مشابه الگوی اوکراین که تهدیدی بالقوه برای ایران و روسیه است. در ارمنستان، اعتراضات داخلی علیه پاشینیان که این توافق را «خیانت» می‌دانند، می‌تواند به بی‌ثباتی سیاسی منجر شود. این بی‌ثباتی، همراه با تقویت محور ترکیه-آذربایجان، خطر پروژه‌های پان‌ترکیستی را افزایش می‌دهد که می‌تواند به تغییرات جمعیتی و حقوقی در منطقه منجر شود. برای ایران، این تحولات نه تنها مسیرهای ترانزیتی حیاتی را تهدید می‌کند، بلکه با تقویت حضور ناتو در مرزهای شمالی، امنیت ملی را به خطر می‌اندازد. در پایان، با وجود ادعاهای دیپلماتیک مقامات ارمنستان و آذربایجان مبنی بر رعایت خطوط قرمز ایران و مزایای احتمالی برای تهران و مسکو، واقعیت‌های میدانی و مفاد توافق نشان‌دهنده تهدیدی جدی برای منافع این دو کشور است. حضور بلندمدت آمریکا در کریدور، کاهش نقش روسیه و تضعیف موقعیت ترانزیتی ایران، معادلات قفقاز را به زیان محور ایران-روسیه تغییر می‌دهد. با این حال، قضاوت نهایی نیازمند رصد تحولات آتی است. ایران باید با دیپلماسی فعال، تقویت همکاری با ارمنستان و روسیه و توسعه مسیرهای جایگزین مانند کریدور شمال-جنوب، به مدیریت این تهدیدات بپردازد.



دعای دو ایالت ژرمن سر یک خوراکی قدیمی

سوسیس آلمانی برای کجاست؟

سندی تازه‌یافته از سال ۱۲۶۹ رقابت دیرینه میان بایرن و تورینگن را داغ کرده است



رامین لطیفی

دبیر بین‌الملل

بحثی جدید میان دو ایالت بایرن و تورینگن در گرفته است؛ موضوع همان افتخار دیر سال «اولین براتوورست» آلمان یا سوسیس روده‌ای سنتی این کشور است. تاکنون مهمانخانه «وورست کوخل» در رگنسبورگ خود را «قدیمی‌ترین دکه براتوورست جهان» می‌نامید، جایی کنار پل سنگی رگنسبورگ بر کرانه دانوب که قدیمی‌ترین نشانه حضور آشپز یا بساط خوراک‌فروشی در آن به سال ۱۳۷۸ برمی‌گردد. اما تاریخ‌پژوهان در افورث، مرکز تورینگن، به سندی از سال ۱۲۶۹ دست‌یافته‌اند که در آن از «ساختمانی» یا دکه کباب‌پزی و تابه برشته‌کاری یاد شده است؛ یعنی بیش از ۱۰۰ سال پیش‌تر از روایت رگنسبورگ. اکنون پژوهشگران دنبال محل دقیق آن دکه در افورث می‌گردند و هنوز هیچ رستورانی در آن شهر مدعی عنوان «قدیمی‌ترین» نشده است. پیش از این، قدیمی‌ترین اشاره مکتوب به براتوورست در تورینگن، سال ۱۴۰۴ و پرداخت «یک گروشن برای سوسیس» در شهر آرنشتات بود. البته این نخستین بار نیست که بر سر براتوورست جنجال برپا می‌شود؛ شهرهای رگنسبورگ و نورنبرگ نیز زمانی هر دو مدعی «قدیمی‌ترین دکه» بودند و در نهایت رأی به سود رگنسبورگ صادر شد. اکنون با سند ۱۲۶۹، مسابقه پر هیجان «قدمت» یک‌بار دیگر از نو آغاز شده است.

مرغی با پاسپورت دوگانه

باتر چیکن، یا «مرغ کراهی»، امروز یکی از شناخته‌شده‌ترین غذاهای هندی-پاکستانی در جهان است؛ با سس گوجه‌فرنگی غلیظ، کره فراوان و خامه لطیف. ریشه‌های این غذا اما به روایتی به سال‌های پس از تقسیم هند و پاکستان در ۱۹۴۷ بازمی‌گردد. رستوران افسانه‌ای «موتی محل» در دهلی نو مدعی است که این غذا را در دهه ۱۹۵۰ و بر اثر یک اتفاق و تصادف ساده ابداع کرده؛ سرآشپزها برای استفاده از مرغ بریان باقی‌مانده، آن را در سس گوجه و ادویه غوطه‌ور کردند و با کره و خامه پختند. اما در پاکستان، روایت دیگری وجود دارد: آنها می‌گویند این سبک پخت از دیرباز در پنجاب، سرزمینی که اکنون میان دو کشور تقسیم شده، رایج بوده است. برای بسیاری، باتر چیکن فقط یک غذای خوشمزه نیست، بلکه نماد میراث مشترکی است که مرزهای سیاسی آن را دو نیم کرده‌اند. همین مسئله باعث شده این غذا گاهی به بحثی درباره «هالکیت فرهنگی» تبدیل شود که در جشنواره‌های غذایی و رسانه‌ها همچنان ادامه دارد.

عکس روز

دختران سال تایم: نسل تازه رهبران جهان

مجله تایم در نخستین فهرست «دختران سال ۲۰۲۵» از ۱۰ دختر ۱۲ تا ۱۷ ساله به‌عنوان رهبران استثنایی

در علم، ورزش، موسیقی و فناوری تجلیل کرد



مجله معتبر تایم برای نخستین‌بار در تاریخ خود، فهرستی اختصاصی با عنوان «دختران سال ۲۰۲۵» منتشر کرده است؛ فهرستی که در آن، ۱۰ دختر ۱۲ تا ۱۷ ساله از نقاط مختلف جهان به‌عنوان «رهبران استثنایی» در حوزه‌های گوناگون از موسیقی و ورزش تا علم و فناوری معرفی شده‌اند. این ابتکار تازه، به گفته سردبیران تایم، باهدف پررنگ‌تر کردن صدای دخترانی شکل گرفته که با خلاقیت، پشتکار و جسارت، آینده را به دست می‌گیرند و ایده‌های‌شان را به دستاوردهایی واقعی و ملموس در جهان تبدیل می‌کنند. در میان برگزیدگان، نام زوئه کلوزور، خواننده ۱۵ ساله فرانسوی، به شکلی ویژه می‌رخشد. او در سال ۲۰۲۳ با اجرای ترانه «قلب» در مسابقه جوانیور یوروویژن، توجه اروپا را به خود جلب کرد. سال بعد، کلوزور به‌عنوان جوان‌ترین سفیر صلح «پروژه بدون خشونت» منصوب شد؛ سازمانی بین‌المللی که مأموریتش آموزش فرهنگ صلح و کاهش خشونت در جوامع از طریق فعالیت‌های آموزشی فرهنگی است. در عرصه ورزش، ایوانا ریچاردز، راننده ۱۷ ساله مکزیک، یکی از چهره‌های

برجسته این فهرست است. او با حضور در سری مسابقات اتومبیلرانی مکزیک و موفقیت در آزمون‌های رانندگی آکادمی فرمول ۱ زنان در سال ۲۰۲۴، نشان داد که مرزهای جنسیتی در دنیای سرعت و موتور هیچ معنایی برایش ندارد. این آکادمی بین‌المللی بستری است برای شکستن سقف شیشه‌ای زنان در ورزش‌های موتوری و حمایت از حضور آنها در سطوح حرفه‌ای. در بخش ورزش‌های شهری و خلاقانه نیز نام کوکو پوشیزاوا، اسکیت‌بردباز ۱۵ ساله ژاپنی، به چشم می‌خورد؛ قهرمانی که با کسب مدال طلای المپیک ۲۰۲۴ پاریس نه‌تنها به افتخار ملی دست یافت، بلکه الگویی برای نسل تازه ورزشکاران دختر در سراسر جهان شد. در بخش علم و فناوری، تایم از کلارا پروکش، دانشمند ۱۲ ساله آلمانی، تقدیر کرده است؛ دختری که پروژه‌ای نوآورانه در زمینه تولید انرژی‌های تجدیدپذیر ارائه کرده و نگاه کارشناسان را به استعداد بی‌پایان نسل تازه دوخته است. کورنلیا وِیچورک، پژوهشگر ۱۷ ساله لهستانی، دیگر چهره علمی این فهرست است که در تحقیقات زیست‌فناوری نقش

پیشگامانه‌ای ایفا می‌کند و طرح‌هایش می‌تواند مسیر پژوهش‌های پزشکی آینده را تغییر دهد. دایانا سارکیسوا، سردبیر ارشد تایم، در توضیح فلسفه این انتخاب‌ها می‌گوید: «این دختران بخشی از نسلی هستند که معنای رهبری را بازتعریف می‌کنند. آنها به جای منتظر ماندن برای رسیدن به بزرگسالی، همین امروز برای تغییر جهان قدم برمی‌دارند. مشکلات را می‌بینند، بی‌هراس از چالش‌ها عمل می‌کنند و الهام‌بخش دیگران می‌شوند.» انتشار این فهرست با همکاری گروه لگو و از چارچوب کمپین «و این را ساخت» صورت گرفت؛ کمپینی که مأموریتش شکستن کلیشه‌های جنسیتی و تشویق دختران

چهره روز



پاول دوروف، کارآفرین روس، در سال ۲۰۱۳ تلگرام را با هدف ایجاد پیام‌رسانی امن و متمرکز بر حریم خصوصی بنیان گذاشت. او که پیش‌تر شبکه اجتماعی وی‌کی را راه‌اندازی کرده بود، پس از فشارهای دولت روسیه و از دست دادن کنترل وی‌کی، تلگرام را در برلین تأسیس و سپس به دوبی منتقل کرد. تلگرام به سرعت به دلیل سرعت، امنیت و ویژگی‌هایی مانند کانال‌های نامحدود و گروه‌های تا ۲۰۰ هزار نفر عضو، در میان جهانپان و به ویژه کشورهای غیر غربی، محبوب شد. این پیام‌رسان اکنون نزدیک به یک میلیارد کاربر فعال ماهانه دارد و به بستری برای رسانه‌های مستقل و انفرادی تبدیل شده است. تلگرام با امکان ایجاد کانال‌های پرمخاطب، ربات‌ها و اشتراک‌گذاری فایل‌های حجیم، به کاربران اجازه می‌دهد رسانه‌ای رایگان و قدرتمند داشته باشند، اتفاقی که تا پیش از تولد تلگرام شبیه رویا و آرزویی دور بود. در دوازدهمین سالگرد تأسیس، تلگرام همچنان نماد آزادی بیان و مقاومت در برابر سانسور باقی مانده و دوروف نیز به چهره‌های مهم و ارزشمند تبدیل شده است.

بنگه دنیا

سقف آرزوها، دورتر از همیشه

در سه‌ماهه دوم ۲۰۲۵، متوسط قیمت خانه در آمریکا به ۴۱۰ هزار دلار رسیده، در حالی که میانگین درآمد خانوار

تنها ۸۴ هزار دلار است

در آمریکا، رویای داشتن سرپناهی که از آن خود باشد، روزبه‌روز از دسترس خانوار دورتر می‌شود. داده‌های جدید نشان می‌دهد که در سه‌ماهه دوم ۲۰۲۵، میانگین قیمت فروش خانه به ۴۱۰٫۸ هزار دلار رسیده است، در حالی که میانگین درآمد سالانه خانوار تنها ۸۴ هزار دلار است. این یعنی نسبت قیمت خانه به درآمد به حدود ۵ برابر رسیده است. باید بگوییم این ضریب اکنون بسیار بالاتر از استاندارد جهانی ۳ برابری که نشانه‌ای از مقرون‌به‌صرفه بودن مسکن می‌باشد، ایستاده است. در نتیجه، بیش از ۱۰۰ میلیون خانوار آمریکایی، یعنی حدود ۷۵ درصد از کل خانوارها، توان خرید خانه‌ای با قیمت متوسط را ندارند. برای خرید چنین خانه‌ای، درآمد سالانه‌ای حدود ۱۱۷ هزار دلار لازم است، یعنی ۳۳ درصد بیشتر از میانگین درآمد کنونی. این شکاف در مناطق مختلف آمریکا شدت گرفته و اجاره‌نشینی را به گزینه‌ای ناگزیر برای بسیاری بدل کرده است. بازار مسکن در نیمه اول ۲۰۲۵ نیز بهبود چندانی نداشته است. فروش خانه‌ها باقی‌مانده یافته و زمان لازم برای فروش یک خانه افزایش یافته است. اگرچه بازار به نفع خریداران متمایل شده، اما قیمت‌های بالا همچنان مانعی بزرگ برای ورود به بازار مسکن است.

نگاهی به گذشته و ریشه‌های بحران

این شکاف عمیق، ادامه روندی است که از دهه‌ها پیش آغاز شده است. از سال ۲۰۰۲ تا ۲۰۲۵، قیمت خانه‌ها ۲۷۷ درصد رشد کرده، در حالی که درآمد خانوارها تنها ۹۲ درصد افزایش یافته است. در سال‌های اخیر، نرخ بهره وام‌های مسکن نیز فشار مضاعفی ایجاد کرده است. در سال ۲۰۲۵، نرخ بهره وام‌های ۳۰ ساله ثابت حدود ۶ درصد است که با وجود افزایش عرضه مسکن، همچنان مانع اصلی دسترسی به خانه‌دار شدن است. سیاست‌های پولی گذشته، مانند کاهش نرخ بهره پس از رکود ۲۰۰۸، اگرچه با هدف تحریک اقتصاد و تسهیل مالکیت خانه اعمال شده، اما در بلندمدت به افزایش قیمت‌ها دامن زد. کمبود ساخت‌وسازهای جدید،

تبدیل واحدهای مسکونی به املاک اجاره‌ای توسط سرمایه‌گذاران و افزایش تقاضا از سوی نسل جدید نیز این بحران را تشدید کرده است. پیامدهای اجتماعی و اقتصادی وقتی هزینه مسکن بخش عمده درآمد خانوار را می‌بلعد، خانواده‌ها مجبور به کاهش هزینه‌های ضروری مانند رفت‌وآمد، آموزش و سلامت می‌شوند. این محدودیت، تحرک اجتماعی را کند کرده و نیروی کار را در مناطق کمتر توسعه‌یافته نگه می‌دارد. جوانان، به‌ویژه آنهایی که به‌تازگی تشکیل خانواده داده‌اند، از جابه‌جایی برای فرصت‌های شغلی بهتر خودداری می‌کنند، چراکه اقساط سنگین وام‌های مسکن، ریسک‌پذیری را کاهش داده و جامعه را به سوی محافظه‌کاری و سکون سوق می‌دهد. شهرهای بزرگ آمریکانیز با کمبود نیروی کار مواجه‌اند، زیرا کارگران با دستمزد پایین توانایی زندگی در این مناطق را ندارند. این پدیده نه‌تنها بهره‌وری را کاهش می‌دهد، بلکه رشد اقتصادی را نیز تهدید می‌کند. همانطور که عرضه مسکن در قرن بیستم به رشد اقتصادی آمریکا کمک کرد، محدودیت‌های کنونی می‌توانند به مانعی جدی برای آینده تبدیل شوند.

چشم‌انداز آینده

برای بررسی روند و رابطه بین درآمد متوسط و قیمت متوسط خانه در طول سال‌ها و دهه‌های گذشته، داده‌های گرد آمده توسط فدرال رزرو شامل متوسط مالکیت خانوار در حد فاصل سال‌های ۱۹۸۴ تا ۲۰۲۲ و نیز میانگین قیمت فروش خانه‌های فروخته شده در



حد فاصل ۱۹۶۳ تا ۲۰۲۲ بررسی شده است. در سال ۱۹۸۴، متوسط درآمد سالانه یک خانوار آمریکایی ۲۲۴۲۰ دلار بود و میانگین قیمت فروش خانه برای سه ماهه اول همان سال به ۷۸۲۰۰ دلار رسید. با این اوصاف، اگر بخواهیم ضریب نسبت قیمت فروش مسکن به درآمد را محاسبه کنیم به عدد ۳۴۹ می‌رسیم. گفتنی است، طبق محاسبات و بررسی‌ها، این مقرون به صرفه‌ترین خانه‌هایی است که خریداران می‌توانستند در آمریکا از زمانی که فدرال رزرو شروع به ردیابی این داده‌ها کرد، ابتیاع کنند. به بیان دیگر رفته رفته فاصله درآمد‌ها با رشد قیمت خانه‌ها نسبتی و اگر با هم پیدا کردند و این ضریب افزایش یافت و به اعداد بزرگ‌تر رسید. یکی از عوامل اصلی این فرایند، تورم بود که در اواخر دهه ۷۰ و شروع دهه ۸۰ پیدای می‌کرد. یکی از مسائل دیگری که برای کنترل تورم پی گرفته شد و اثر منفی بر فرایند خانه‌دار شدن آمریکایی‌ها گذاشت، افزایش نرخ بهره، به ویژه در سال ۱۹۸۴ بود. طی این سال بهره بانکی به ۱۴ درصد رسید و بخش بزرگی از درآمد خانوارها را بلعید. در نیمه دوم دهه ۱۹۸۰ و دهه ۱۹۹۰ شرایط به صورت پایدار پیش می‌رفت اما در اواسط دهه ۲۰۰۰، شاهد افزایش انفجاری در قیمت مسکن بودیم که در نهایت به حباب مسکن و سقوط متعاقب آن ختم شد. گفتنی است این عامل را به عنوان عاملی مهم و تاثیرگذار در رکود اقتصادی سال ۲۰۰۸ شناسایی کردند. بر این اساس، بازار مسکن کم رونق آمریکا، اکنون شیوری به دست گرفته و در حال دمیدن در آن است و از احتمال بروز یک رکود اقتصادی جدید خبر می‌دهد.

ترندهای پنج کشور جهان در گوگل



تیلور سوئیفت و ماجرای شکستن رکورد دونالد ترامپ



تیلور سوئیفت، ستاره موسیقی پاپ جهان، چهارشنبه شب در پادکست پرتلفدار «قله‌های جدید» با حضور تراویس کیلسی، از آلبوم جدیدش «زندگی یک آوازخوان» رونمایی کرد. این اپیزود دو ساعته در یوتیوب تنها در ۱۳ ساعت ۹ میلیون بازدیدکننده داشت و رکورد مصاحبه دونالد ترامپ با جو روگان که بیش از ۸۰۰ هزار بازدید داشت و ترامپ بسیار به آن افتخار می‌کرد را شکست. این مصاحبه تعداد مشترکان کانال پادکست را از ۲۸۵ میلیون به ۳ میلیون رساند. در حاشیه این هیاهو، تنش قدیمی سوئیفت با دونالد ترامپ دوباره خبر ساز شد. ترامپ که سال گذشته پس از حمایت سوئیفت از کامالا هریس در انتخابات، در شبکه تروت سوشال نوشته بود «تیلور سوئیفت بیزارم»، در ماه مه امسال نیز مدعی شد جذابیت سوئیفت پس از این اظهارات کم شده است. با این حال، موفقیت خیره‌کننده این مصاحبه نشان می‌دهد که سوئیفت همچنان در اوج محبوبیت است. البته مصاحبه جو روگان با ترامپ، در دستیابی به پرشنونده‌ترین قسمت این پادکست هم ناکام ماند. مصاحبه ترامپ بیش از ۳۶ میلیون بازدید را ثبت کرده اما مصاحبه جو روگان با یلاین ماسک در سال ۲۰۱۸ با ۶۹ میلیون بازدید همچنان پربیننده‌ترین قسمت این پادکست است.

لایوژن



❖ چه چیزی در فیلم «غریبه‌های کامل» آن قدر جذاب بود که اقتباس تئاتری از آن روی صحنه آورد؟
موارد بسیاری در این فیلم وجود دارد اما اولین و مهم‌ترین موضوع رابطه بین آدم‌ها بود. این که هر آدمی چه تعریفی از خودش و زندگی شخصی‌اش دارد، جذابیت‌های زیادی دارد که می‌تواند تحلیل و بررسی شود.

❖ مخاطبی که فیلم اصلی را دیده و اکنون به تماشای نمایش نشسته است با توجه به چه توصیه‌ای می‌تواند تجربه متفاوتی داشته باشد؟
طبیعتاً در سینما تکنیک و ابزارهای متفاوت وجود دارد که می‌تواند ایده‌های کارگردانی را به تصویر درآورد، اما در صحنه نمایش چنین امکاناتی وجود ندارد. بنابراین ما در صحنه این نمایش تلاش کرده‌ایم با طراحی صحنه دقیق و جابه‌جایی وسایل تغییر نماها را شکل بدهیم. به نظر مخاطب از نظر بصری برایش جالب باشد که چیزهایی در راستای محتوا در صحنه تغییر می‌کند.

گفت‌وگو با داوود بنی‌اردلان، نویسنده و کارگردان نمایش «نیمه تاریک ماه»

فناوری، زندگی را به نابودی می‌کشاند

● نمایش روابط میان انسان‌ها به بومی‌سازی نیازی ندارد
انسان ایرانی در جهان امروز می‌تواند در هر جای جهان زیست و مناسبات را درک کند

کیارش وفانی
هفت صبح

«نیمه تاریک ماه» تنها یک نمایش روی صحنه نیست؛ تجربه‌ای است که مرزهای میان تئاتر، موسیقی و ارتباط بین انسان‌ها را به گونه‌ای متفاوت تعریف می‌کند. داوود بنی‌اردلان، نویسنده و کارگردان اثر، با رویکردی تجربه‌گرا جهانی را پیش‌روی مخاطب می‌گشاید که در آن صدا، تصویر و حرکت هم‌پای یکدیگر نقش آفرینی می‌کنند. این خلق تجربه از سوی کارگردان تماشایی را نیز به شوق آورده است. تماشای این اجرا پر از انرژی بود. شبی که در سالن بودم، موج هیجان صندلی‌های پشت سرم به خوبی شنیده و حس می‌شد. شوقی که باعث شده بود حتی در راهروهای بین صندلی‌ها جای نشستن نباشد. بسیاری روی پله‌های میانی نشسته بودند تا تجربه دیدن نمایش را حتی در شرایط نامطلوب از دست ندهند. تصویری که شاید سال‌هاست دیگر در سالن‌های نمایش کمتر دیده می‌شود.

کنم، فیلمنامه اثر اصلی و نمایشنامه این نمایش آن‌قدر قدرت دارد که هرگز نگران مقایسه آنها با هم نیستم. ضمن اینکه از فیلم،

این فیلم ایتالیایی بر روابط پیچیده انسان‌ها و افشای رازها استوار است، شما برای بومی‌سازی چنین داستانی کدام بخش‌ها را تغییر داده‌اید تا به فضای مخاطب امروز ما نزدیک شوید؟
به این موضوع معتقد نیستم که برای نمایش روابط بین آدم‌ها، باید آن را از فیلتر بومی‌سازی عبور دهیم. بومی‌سازی برای زمانی بود که قرار شد آثار «مولیر» که با فرهنگ کشورمان تفاوت داشت برای اولین بار در ایران تولید شود. اینکه اصلاً چرا آن زمان متون این نویسندگان در ایران اجرا می‌شود و از نمایشنامه‌های «شکسپیر» چیزی روی صحنه نمی‌رود، به این دلیل بود آن زمان آثار «مولیر» در عثمانی ترجمه شده و کشور ما به دلیل نزدیکی‌اش به این کشور از متون این نویسنده در نمایش‌های صحنه‌ای خود استفاده کرد. به همین خاطر وقتی هنرمندان می‌خواستند نمایشنامه «خسبیس» را روی صحنه بپزند مجبور بودند متن نمایش را به فرهنگ ایرانی نزدیک کنند، چرا که برداشت عمیقی از اوضاع و شرایط اصلی متن و آن دوران نداشتند. امروز اما شرایط متفاوت است، با یک تلفن همراه و وجود اینترنت دیگر نیازی به بومی‌سازی هیچ چیزی احساس نمی‌شود. نمایش «نیمه تاریک ماه» هم که از روابط انسانی می‌گوید اوضاع چنین است. گرچه در هر جامعه‌ای ممکن است تابوهای خاصی وجود داشته باشد، اما دیگر چیزی برای بومی‌سازی وجود ندارد. به‌طور مثال کسی که امروز در تهران زندگی می‌کند می‌تواند در انگلستان، فرانسه، آلمان یا آفریقا هم باشد که مناسبت‌ها و موقعیت‌های مشابه را تجربه کند.

❖ خطر مقایسه با منبع اصلی یکی از چالش‌های اقتباس است. شما چگونه این ساختار مینی‌مال را به زبان بصری و اجرای نمایش ترجمه کرده‌اید؟
زمان تولید احساس چنین خطری نداشت. جالب این که شش سال پیش که نمایش را برای نخستین بار روی صحنه بردیم، سفیر و رازین فرهنگی آن زمان ایتالیا به تماشای اثر نشستند. آنان فیلم اصلی را هم دیده بودند اما بعد از نمایش از گروه دعوت کردند. آنان مفهوم نمایش را به مفهوم فیلم اصلی نزدیک می‌دانستند. شب مهمانی برخی از دست‌اندرکاران فیلم هم حضور داشتند. ما چند دقیقه از نمایش را آنجا روی صحنه بردیم؛ می‌خواستیم عوامل فیلم بدانند چه اقتباسی صورت گرفته و البته برای گروه ما

❖ انتخاب عنوان «نیمه تاریک ماه» برای

سیاوش صفاریان پور از هیجان اولین تجربه تئاتری‌اش در نمایش «نیمه تاریک ماه» گفت

ما هشدار نمی‌دهیم، سرگرم می‌کنیم

❖ سیاوش صفاریان پور به عنوان چهره‌ای تلویزیونی و رسانه‌ای شناخته شده، ورودتان به نمایش «نیمه تاریک ماه» چگونه اتفاق افتاد؟
این نقش پیشنهاد کارگردان بود. البته قرار بود شش سال پیش این نقش را ایفا کنم، که به دلیل مشکلات شخصی نتوانستم حضور داشته باشم. حالا شانس دوباره‌ای کارگردان به من داد تا همان شخصیت را ایفا کنم. این اولین حضور در تئاتر است. پیش از این تهیه‌کنندگی، کارگردانی، مجری رادیو و تلویزیون بوده‌ام و این سال‌ها هم مشغول تولید پادکست هستم.

❖ چه عواملی در متن یا نقش باعث شد این پیشنهاد را بپذیرید؟
حضور در این اثر، تحت‌تاثیر آشنایی با کارگردان و اعتماد و تفکر اوست. برای خودم این هیجان بود که برای نخستین بار روی صحنه بروم و آن را تجربه کنم و توانایی‌ام را محک بزنم.

❖ بازی در نمایشی که حول محور افشای رازها می‌چرخد به لحاظ حسی چه چالش‌هایی داشت؟
نکته حائز اهمیت در این نمایش برایم اتصال جهان اثر با دنیای جدید و ارتباط مستقیم آن با تکنولوژی و رابطه بین انسان‌هاست. وضعیتی که در روایت نمایش از ارتباط انسان‌ها پیش می‌آید، وضعیت مشابه ارتباط بین انسان‌ها با یکدیگر در جهان کنونی است. ضمن اینکه نمایش

❖ از فیلم «غریبه‌های کامل» اقتباس شده که گویای این موضوع است که مکان‌ها و کشورهای یکدیگر تفاوتی ندارند؛ جهان ارتباطی جدید چالش‌هایی را مانند تلفن همراه و شبکه‌های اجتماعی برای ارتباط همه انسان‌ها ایجاد می‌کند. این ارتباط دگرگون شده، انسان با انسان که به واسطه تکنولوژی شکل دیگری به خود گرفته و مفهوم اصلی‌اش تغییر کرد، در نمایش برایم هیجان‌انگیز بود.

❖ تعامل‌تان با کارگردان نمایش در طول تمرینات چطور بود؟ آیا ایده‌های شخصی‌تان را به نقش نزدیک کردید؟
ترجیح من آن بود که نکات کارگردان را بپذیرم چرا که سابقه آشنایی در تئاتر ندارم و محدوده تجربه‌هایم باعث شد بیشتر در یافت‌کننده باشم تا ایده‌پرداز. البته سایر بازیگران با تجربه همراهی‌ام کردند تا بتوانم در شخصیت پردازی به مفهوم اصلی که در متن نمایشنامه و خواست کارگردان بود بیشتر نزدیک شوم.

❖ حضور در یک فضای دیالوگ محور و محدودیت‌های صحنه نمایش چه تفاوت‌هایی با تجربه‌های گذشته‌تان دارد؟
تمرین زیاد. من تاکنون در هیچ موقعیتی قرار نداشت‌م که تا این اندازه نیاز به تمرین داشته باشم. البته در نمایش بیشتر وقت حضورم روی صحنه مشغول آشپزی هستم. این نکته برایم جذاب است، زیرا نقش من تلاش می‌کند فضایی واقعی از یک مهمانی را بسازد؛ این چالش بود، چگونگی ارتباط با مخاطب در چنین نقشی. هماهنگی با دیگر بازیگران هم چالش بود. حفظ ریتم و تمپو در صحنه مهم است چون شما به عنوان بازیگر مشغول روایت کردن خطی مسائل هستید که این روند با ساخت یک سریال یا بارید متفاوت است.

❖ تصور می‌کنید نمایش «نیمه تاریک ماه» برای مخاطب ایرانی بیشتر یک داستان سرگرم‌کننده است یا هشدار اجتماعی؟
به نظر من این نمایش سرگرم‌کننده است. بعید می‌دانم کسی خبر نداشته نباشد تکنولوژی چه عوارضی ایجاد می‌کند. این که تکنولوژی در عین ایجاد ارتباط‌ها، کمک‌کننده است و در مقابل مشکلاتی هم وجود می‌آورد. پس این اثر نقش سرگرم‌کننده دارد تا هشدار، چون تمام انسان‌ها در زندگی اجتماعی خودشان از تکنولوژی استفاده می‌کنند. البته از منظر دیگر روایت نمایش، داستان درون ذهن ما است که شاید مایل به مطرح کردن آن نیستیم. درواقع نمایش «نیمه تاریک ماه» بیشتر بازتاب نیمه تاریک انسان‌هاست که معمولاً پنهانش می‌کنند و سعی دارند از آن صحبتی نکنند.

مژده محمدی که بازیگر نمایش «نیمه تاریک ماه» شد مخاطب مرا از فیلم می‌بیند

❖ پیش از شروع تمرین‌ها نسخه اصلی فیلم «غریبه‌های کامل» را دیده‌اید یا ترجیح‌تان این بود بی‌آنکه پیش‌زمینه‌ای داشته باشید وارد فضای نمایش شوید؟
شش سال پیش این نمایش را به عنوان مخاطب دیده بودم و بعد از آن نسخه اصلی فیلم را نگاه کردم. حالا که در مقام بازیگر روی صحنه هستم فیلم را دوباره ندیدم، گرچه برخی نظرها این بود که دوباره به تماشای فیلم اصلی بنشینم؛ اما ترجیح دادم این اتفاق نیفتد.

❖ تفاوت اساسی بین اجرای یک متن دیالوگ محور در تئاتر و روایت قصه در پادکست چیست؟
فضای پادکست اگر روایتی دیالوگ محور داشته باشد بسیار به ساختار نمایش رادیویی نزدیک است. با این تفاوت که در آنجا نشسته یا ایستاده هستید و خیالتان راحت است که مخاطبی رویه‌وبتان نیست، اما در صحنه نمایش شرایط متفاوت است. مخاطبان مقابل‌تان نشسته است. ضمن اینکه در طول ضبط پادکست اگر اشتباهی رخ بدهد فرصت تصحیح خواهید داشت، اما روی صحنه هیچ اشتباهی قابل جبران نیست.

❖ اگر بخواهید نمایش «نیمه تاریک ماه» را در یک جمله برای مخاطبی که هنوز آن را به تماشا نشسته معرفی کنید چه می‌گویید؟
حرفم این است، ما همه انسان‌ها نیمه تاریک داریم. عده‌ای از ما به آن بهای می‌دهیم و جرات آن را پیدا می‌کنیم که در آن فضا زندگی کنیم و در مقابل عده‌ای دیگر به آن بهایی نمی‌دهند و در نیمه روشن خودشان باقی می‌مانند. امیدوارم ما بتوانیم در آن نیمه روشن زندگی کنیم.

❖ تصور می‌کنید مخاطب در پایان نمایش چه تصویری از شخصیت شما خواهد داشت؟ سعی کردم در ایفای نقشی که برعهده دارم کالبد شخصیت را بروز دهم، اما نظرانی که تاکنون از مخاطب گرفته‌ام گویای این است که شخصیت «مژده‌گانی» پادکست «رختکن بازنده‌ها» را روی صحنه می‌بیند.

❖ اگر بخواهید نمایش «نیمه تاریک ماه» را در یک جمله برای مخاطبی که هنوز آن را به تماشا نشسته معرفی کنید چه می‌گویید؟
حرفم این است، ما همه انسان‌ها نیمه تاریک داریم. عده‌ای از ما به آن بهای می‌دهیم و جرات آن را پیدا می‌کنیم که در آن فضا زندگی کنیم و در مقابل عده‌ای دیگر به آن بهایی نمی‌دهند و در نیمه روشن خودشان باقی می‌مانند. امیدوارم ما بتوانیم در آن نیمه روشن زندگی کنیم.

❖ بازیگران نمایش را بیشتر براساس توانایی‌های تکنیکی برای بازی در فضای دیالوگ محور انتخاب کرده‌اید یا ویژگی‌های شخصیتی و انرژی گروهی؟
انتخاب بازیگران این نمایش براساس دو دلیل تومان رخ داد، بعضی براساس علاقه‌ام به جنس بازی‌هایشان و برخی با توجه به توانی که روی صحنه دارند. با این که بعضی از این بازیگران اولین بار است روی صحنه می‌آیند، می‌دانستم توان این را دارند که اتفاق ویژه‌ای را رقم بزنند.

❖ آیا در طول تمرینات لحظه‌ای پیش آمد که حس کنید مسیر اقتباس باید تغییر کند یا پایان‌بندی متفاوتی را رقم بزنید؟
این تغییر مسیر را شش سال پیش و در اجرای گذشته انجام داده بودم. در این اجرا، پایان به شکلی رقم می‌خورد که آدم‌ها می‌روند و مجدد بازی می‌گردند و در این بازگشت تصمیم می‌گیرند دیگر وارد بازی نشوند چون آگاه شدند با افشای رازهایشان نابودی می‌شوند. در طول تمرینات به بازیگرانم می‌گفتم در این نمایش با سه گروه از آدم‌ها ارتباط داریم؛ دسته اول کسانی که در جامعه هستند، دسته دوم کسانی که کنار همراه زندگیشان قرار دارند و دسته سوم که تنها زندگی می‌کنند. آدم‌ها در هر کدام از این سه دسته چیزهایی دارند و لایه‌هایی را افشا می‌کنند که حتی برای خودشان هم جالب به نظر می‌رسد و باورشان نمی‌شود که با خودشان روبه‌رو شده‌اند. در نمایش دقیقاً با این اتفاق روبه‌رو می‌شویم، شخصیت‌ها با مواردی روبه‌رو می‌شوند که به افشا می‌رسد.

فیلم‌های بسیاری به زبان‌های اسپانیایی، لبنانی، ترکی، آمریکایی و... ساخته شده است.

بهزاد عمرانی که در نمایش «نیمه تاریک ماه» بازیگری هم کرد نقش‌ام را از فیلم می‌شناختم

❖ شما در کارنامه کاری‌تان بیشتر به عنوان خواننده و بازیگر در فضای موسیقی و تئاتر تجربی فعالیت داشته‌اید. ورودتان به نمایش «نیمه تاریک ماه» چگونه اتفاق افتاد؟
شش سال پیش بازیگر این اثر بودم. برای دور جدید اجرای نمایش، به تشخیص کارگردان، نقش را بپذیرفتم و روی صحنه آمدم.

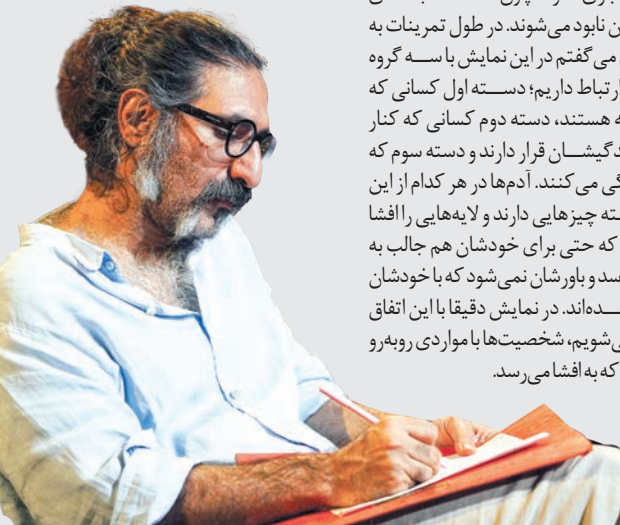
❖ نقش شما در این نمایش چه ویژگی‌هایی داشت که برایتان متفاوت بود؟
آن چیزی که درباره این نقش برایم جذابیت دارد، این است که انسان‌ها می‌توانند هر عنوانی را دوست داشته باشند. درحالی که عرف جوامع دائم آدم‌ها را محدود می‌کند که علایق مشخصی داشته باشند، اما دنیا در لحظه تغییر می‌کند، پس هر کسی می‌تواند سلیقه‌های احساسی خود را انتخاب کند. این موضوع در نمایش وجود دارد و همین نکته برایم جالب است که به نوعی فرهنگ‌سازی می‌کند تا بتوانیم انواع سلیقه‌ها را در کنار خودمان بپذیریم.

❖ عنوان‌هایی که از نسخه اصلی در نقش‌تان باقی مانده چه نکاتی هستند و چه بخش‌هایی را خودتان به شخصیت اضافه کرده‌اید؟
جهان نمایش بسیار منعقد به متن نمایشنامه است که اقتباسی از فیلم «غریبه‌های کامل» دارد. البته نکاتی چون نوع لحن و ادبیاتی که می‌پسندیدم و احساس می‌کردم باعث تعادل بیشتر می‌شود را به نقش اضافه کرده‌ام.

❖ آیا در طول تمرینات برداشت‌تان از شخصیت تغییر کرد یا از ابتدا تصویر روشنی از آن داشتید؟
چون فیلم سینمایی که اقتباس نمایشنامه از آن صورت گرفته را دیده بودم، نقشی که برعهده گرفته‌ام را می‌شناختم و آن را تا اندازه‌ای به رفتارهای خود شبیه کردم. این نقش را یک تیپ ساده معمولی در نظر گرفتم.

❖ آیا نمایش «نیمه تاریک ماه» بیشتر یک اثر اجتماعی است یا روان‌شناختی؟
معتمد که این نمایش تعریف هر دو عنوان را در خود جای داده است.

❖ داوود بنی‌اردلان: انتخاب بازیگران این نمایش براساس دو دلیل تومان رخ داد، بعضی براساس علاقه‌ام به جنس بازی‌هایشان و برخی را می‌دانستم توان این را دارند که اتفاق ویژه‌ای را رقم بزنند



حاشیه

به بهانه نمایش ضعیف و اضافه وزن داکتر نازون

فوتبال ایران بهترین خریدار ضایعات خارجی!

در فصل گذشته انداخت. مهاجمی که با نظر خوان کارلوس گاریدو خریداری شد اما نیم فصل بیشتر در پرسپولیس دوام نیاورد و در لیست مازاد اسماعیل کارنال سر مربی خارجی بعدی این تیم قرار گرفت! لازم به یادآوری است، تراکتور تبریز نیز در گذشته چنین شرایطی داشت و چند فوتبالیست خارجی ضعیف و بی کیفیت را خریداری کرد اما از آنجایی که این تیم، یک تیم خصوصی است مالک باشگاه وارد گود شد. محمد رضا نوزی شخصاً روی خریدهای خارجی نظارت و خودش در زمان مذاکره نتیجه‌اش در سوبرجام مشخص شد. به عبارت ساده‌تر، به خلاف تراکتور تبریز، دو باشگاه استقلال و پرسپولیس از سوی بخش دولتی و نه جیب شخصی حمایت می‌شوند و به همین اساس دقت و وسواس لازم هنگام خرید خارجی وجود ندارد. شاید داکتر نازون در آینده مهاجم خوبی نشان دهد اما تجربه نشان داده که خیلی نمی‌توان روی خریدهای خارجی استقلال و پرسپولیس حساب باز کرد. این خط و این هم‌نشان!

لژیونرها

مهدی طار می: بشیکتاش نه!می خواهیم در انگلیس بازی کنم

ستاره خط حمله تیم ملی کشورمان تصمیم خود را برای بازی در لیگ برتر انگلیس گرفته است



سنگین رهایی پیدا کند. دقیقاً به همین دلیل است که اینتر برای فروش مهدی طارمی، رقمی بین ۸ تا

۱۰ میلیون یورو در خواست کرده تا بخشی از این هزینه را جبران کند؛ رقمی که سنگین به نظر می‌رسد.

در این راستا باشگاه بشیکتاش ترکیه ابتدا خواهان خرید قرضی مهدی طارمی شد که باشگاه اینترمیلان و مهدی طارمی هر دو مخالفت کردند. در ادامه باشگاه ترکیه‌ای مذاکراتی با مدیر برنامه‌های مهدی طارمی انجام داده و حتی پیشنهاد وسوسه‌انگیز دستمزد ۵ میلیون یورو را نیز مطرح کرد اما ستاره ایرانی تمایلی به بازی در بشیکتاش و سوپرلیگ این کشور نشان نداده است.

مهاجم ۳۳ ساله بوشهری به مدیر برنامه‌های خود گفته است، مذاکره با باشگاه ترکیه‌ای بشیکتاش را متوقف کند چرا که ترجیح می‌دهد فصل آینده را در لیگ‌برتر انگلیس توپ بزند. مهدی طارمی حاضر نیست از فوتبال سطح اول اروپا دور شود و حالا با ناتینگهام فارست انگیس به توافق رسیده است. بدون شک حضور یک فوتبالیست ایرانی در لیگ‌برتر انگلیس می‌تواند جذابیت‌های زیادی برای ما و فوتبالدوستان کشورمان دربرداشته باشد و امیدواریم مهدی طارمی برخلاف ایتالیا در فوتبال جزیره خوش بدرخشد.

تفاوت تیم‌های استقلال و تراکتور در سوپر جام، نمایش دو بازیکن خارجی این دو تیم بود. به گزارش هفت صبح ورزشی، بی‌تردید تومیسلاو اشتراکالی مهاجم تیم تراکتور تبریز ستاره سوبرجام بود. مهاجم کرواتی تیم تراکتور در دقیقه ۶۷ به جای دوم‌گسوی دروزدک که نمایشی کم‌فروغ داشت وارد زمین شد و نقش اول پیروزی بزرگ تیمش را بر عهده گرفت. تومیسلاو اشتراکالی در دقیقه ۹۰+۱ با یک فرار زیبا و ضربه دقیق، دروازه آنتونیو آدان را باز کرد و قهرمانی را برای تراکتور رقم زد. همچنین او در حالی که تیمش با نتیجه یک بر صفر از حریف عقب افتاده بود، فراری خوب به قلب خط دفاعی استقلال داشت و با فشاری که روی سامان فلاح ایجاد کرد، باعث شد تا این بازیکن مر تکب خطای هند شود و در ادامه امیرحسین حسین‌زاده گل تساوی را به ثمر برساند. در سوی مقابل تیم استقلال از یک خرید جدید خارجی چاق و چله و ناآماده رونمایی کرد؛ داکتر نازون که گفته می‌شد پیش از پیوستن به استقلال در تمرینات تیم کایسری اسپور ترکیه حضور داشته و از آمادگی



خیلی دوست دارم. برد پیت، مت دیمن، رایان گاسلینگ و جولیا رابرتز هم خیلی بازیگران خوبی هستند.

آیا در زمینه سینما یا هنر فعالیت خاصی هم دارید یا برنامه‌ای در این زمینه دارید؟

در این زمینه فعالیت خاصی ندارم. تا زمانی‌که پسر کوچکم علاقه زیادی به بازیگری نشان می‌دهد، در کلاس بازیگری آقای میثم بیدقی ثبت نامش کردم. شاید تا مدتی دیگر یک آشوبی کوچک بتواند به عنوان یک هنرمند ظهور پیدا کند. البته که بچه‌ها ممکن است علاقهشان تغییر کند اما تا الان آوش آشوبی استعداد و علاقه زیادی نشان داده و دارد دوره‌های تخصصی‌اش را طی می‌کند.

در آخر از رویاها و آرزوهای فوتبالی و غیر فوتبالی خودتان بگویید؟

خیلی دوست دارم مسیر سختی را که در دوران فوتبالم طی کردم و تا حدودی هم به موفقیت رسیدم بیش و پیش از قبل در مربی‌گری بروم و به موفقیت برس‌م. به باور خودم این توان را دارم که جلو بروم و موفقیت‌های بزرگ‌تری را نسبت به دوران فوتبال بازی کردنم به دست بیاورم.

آرزوی غیرفوتبالی‌ام این است که تمام مردم عزیز کشورمان نان‌رازی‌هایشان تراز شود. سایه جنگ هیچوقت دوباره بر سر مردم و کشور عزیزمان نیفتد. همه در سلامتی و شادی فراوان و رزق و روزی کافی زندگی را بگذرانند. آرزوی دیگرم درباره پسر بزرگم است که خیلی به فوتبال علاقه نشان داده و کارشناسی‌های خیلی دقیق و ریزبینانه‌ای انجام می‌دهد. امیدوارم در مسیر فوتبالی حاضر باشد سختی‌های زیادی را تحمل کند و در نهایت مسیرش را به عنوان یک فوتبالیست برای آینده درخشان باز کند.

فرزاد آشوبی، پدری فوتبالیست بار ویا‌های بزرگ و عشق‌های جذاب سینمایی

عاشق ایستوود واسکور سیزی هستم!

امید ذاکری نیا
هفت صبح

فرزاد آشوبی دیر در فوتبال ایران مطرح شد اما عملکرد و شخصیتش آنقدر مورد توجه قرار گرفت که بتواند در تیم ملی و بهترین باشگاه‌های ایران بازی کند.

روز ۱۷ تیر ۱۳۸۵ برای فرزاد آشوبی یک روز مهم و خاص به حساب می‌آید. روزی که خبرگزاری‌ها اعلام کردند که این هافبک گمنام ۲۶ ساله از تیم رده‌های پایین عقاب زمان او به یکی از چهره‌های فوتبال ایران تبدیل شد و از پرسپولیس به تیم ملی و سپس استقلال رسید. آشوبی اما از یک نظر دیگر یک چهره خاص در جامعه فوتبال ایران به حساب می‌آید چرا که یک فیلم‌باز حرفه‌ای و مخاطب جدی سینما و معدود فوتبالی‌های اهل مطالعه است. با او گفت‌وگوی متفاوتی انجام دادیم که در زیر می‌خوانید:

نسلی که شما در آن بازی می‌کردید، در فوتبال جهان حالا بیشتر وارد عرصه مربی‌گری و مدیریت شده. وضعیت در فوتبال ایران چگونه است؟

اصولاً بحث مربیگری و مدیریت در ایران آنطور که باید مسیر شفاف و مشخصی ندارد. همانطور که بازیکنان از پروسه آکادمیک و ساختارمند به رشد و تعالی نمی‌رسند. در مربیگری هم همین شکل است. متر و معیارهای متفاوت و بعضاً غیرفوتبالی و فنی وجود دارد که در موفقیت و حضور در فوتبال تأثیرگذار و تعیین‌کننده خواهد بود. برخلاف جریان حاکم در فوتبال دنیا و فوتبال حرفه‌ای به‌شدت سنتنی و علم‌گرایز و به‌شدت رابطه‌مند هستیم به جای اینکه شایسته سالار و ضابطه‌مند باشیم.

بعد از قهرمانی در لیگ هفتم خیلی زود از پرسپولیس جدا شدید و چندی بعد استقلال رفتید. ماجرای آن انتقال را چطور می‌بینید؟
ابتدا باید در گذشت داربوش مصطفوی را به جامعه ورزش و خانواده ایشان تسلیت بگویم. ایشان بیشترین نقش را در جدایی من داشتم و آن جدایی خواست من نبود. هنوز هم نفهمیدم چرا ایشان من را مجبور کرد که چنین تصمیمی بگیرم. اگر برگردیم به آن روزها بعد از دو سال بازی در مس قطعا به استقلال نمی‌رفتم. عادت کردن به شرایط جدید که باب میل هواداران پرسپولیس هم نبود کار سختی بود. اگر برگردم عقب‌ایسن تصمیم را هرگز نمی‌گیرم.

قیمت بازیکنان لیگ برتری به شدت بالا رفته. از نگاه شما این قیمت‌ها منصفانه‌اند؟ آیا متناسب با کیفیت و بازار فوتبال ایران هستند؟

قاتلی که زنان جوانی کار را شکار می‌کرد به اعدام محکوم شد

ایستگاه پایانی برای متجاوز موتورسوار

۳۰ زن شکایت کردند، ۱۲ تجاوز اثبات شد

فاطمه شیخ‌علیزاده
دبیر حوادث

مرد جوانی که از چند ماه پیش در دام پلیس افتاده و در برابر شکایت حدود سی زن با موضوع سرقت و تجاوز قرار گرفت بعد از طی روال قانونی در پرونده‌اش به اعدام محکوم شد. حکم صادر شده در خصوص شکایت ۱۲ زن است که موضوع تجاوز در مورد آنها به اثبات قطعی رسیده است و همچنان شکات دیگر پیگیر شکایت خود با موضوع سرقت و آزار و اذیت هستند. رسیدگی به شکایت‌های سریالی چندین زن در نقاط مختلف پایتخت از نیمه دوم سال ۱۴۰۳ دستور کار پلیس قرار گرفت. نقطه اشتراک اظهارات خانم‌هایی که شاک‌ی بودند این بود که همگی آنها در سایت دیوار طعمه مرد جوانی شده و پس از اینکه آنها را با فریب به محل قرار کشانده بود، با موتورسیکلت این افراد را ربوده و در محل خلوتی که حاشیه شهر آنها را تحت آزار و اذیت جنسی و تجاوز قرار داده بود. متهم پس از این اقدام شیطانی، اموال طعمه‌های خود را ربوده و آنها را در حاشیه شهر رها می‌کرد. تشابه این نقاط اشتراکی در اظهارات شاکیان شکی باقی نگذاشته بود که عامل این اقدامات مجرمانه سریالی یک نفر است.

به این ترتیب رسیدگی به موضوع در دستور کار کارآگاهان پلیس آگاهی تهران قرار گرفت. در اولین گام از تحقیقات شماره‌هایی که متهم با آنها با شاکیان تماس گرفته بود ردیابی شدند. سپس با توجه به چهره نگاری شاکیان تصویر متهم در میان مجرمان سابقه‌دار بررسی شد.

در حالی که پیش از دستگیری متهم دو مظنون دیگر نیز دستگیر شده و بی‌گانه‌ی آنها اثبات شده بود بالاخره با اقامات فنی پلیسی متهم به نام مهدی آکی‌زایی دستگیر شد.

شاکیان چه گفتند؟

۲۷ بهمن ماه سال ۱۴۰۳ زن ۴۷ ساله‌ای به کلانتری وداورد مراجعه کرد و در حالی که ظاهری پریشان و سر و وضع نام‌رتب و خاکی داشت در ثبت شکایت خود اظهار داشت: «من نطفاتی شماره‌های که متهم با آنها با شاکیان سایت دیوار آگهی کاربایی منتشر کرده بودم تا اینکه روز قبل مرد جوانی با من تماس گرفت و خودش را ملکی معرفی کرد. او از من خواست برای نظافت راه پله‌های که ساختمان مسکونی به آنجا مراجعه کنم. من هم قبول کردم اما وقتی به نزدیکی محل رسیدم پلاک خانه را پیدا نمی‌کردم برای همین با آن مرد

رخداد

روزنامه صبح ایران | سال پانزدهم | شماره ۲۱۲۲ | شنبه ۲۵ مرداد ۱۴۰۴ |

حاشیه

به بهانه نمایش ضعیف و اضافه وزن داکتر نازون

فوتبال ایران بهترین خریدار ضایعات خارجی!

در فصل گذشته انداخت. مهاجمی که با نظر خوان کارلوس گاریدو خریداری شد اما نیم فصل بیشتر در پرسپولیس دوام نیاورد و در لیست مازاد اسماعیل کارنال سر مربی خارجی بعدی این تیم قرار گرفت! لازم به یادآوری است، تراکتور تبریز نیز در گذشته چنین شرایطی داشت و چند فوتبالیست خارجی ضعیف و بی کیفیت را خریداری کرد اما از آنجایی که این تیم، یک تیم خصوصی است مالک باشگاه وارد گود شد. محمد رضا نوزی شخصاً روی خریدهای خارجی نظارت و خودش در زمان مذاکره نتیجه‌اش در سوبرجام مشخص شد. به عبارت ساده‌تر، به خلاف تراکتور تبریز، دو باشگاه استقلال و پرسپولیس از سوی بخش دولتی و نه جیب شخصی حمایت می‌شوند و به همین اساس دقت و وسواس لازم هنگام خرید خارجی وجود ندارد. شاید داکتر نازون در آینده مهاجم خوبی نشان دهد اما تجربه نشان داده که خیلی نمی‌توان روی خریدهای خارجی استقلال و پرسپولیس حساب باز کرد. این خط و این هم‌نشان!

لژیونرها

مهدی طار می: بشیکتاش نه!می خواهیم در انگلیس بازی کنم

ستاره خط حمله تیم ملی کشورمان تصمیم خود را برای بازی در لیگ برتر انگلیس گرفته است

گروه ورزش! باشگاه بشیکتاش ترکیه حاضر شده سالیانه ۵ میلیون یورو دستمزد به مهدی طارمی بپردازد اما جواب ستاره ایرانی فقط یک کلمه بوده است: نه!

این در حالی است که رسانه‌های ایتالیایی مدعی شده بودند پیشنهاد باشگاه ترکیه‌ای بسیار جدی است و باشگاه اینترمیلان مخالفت کرده.

در ادامه اما نشریه گاتزتا دلو اسپورت نوشت: اگر اتفاق غیرمنتظره‌ای رخ ندهد، آینده مهدی طارمی در لیگ برتر انگلیس رقم خواهد خورد. مدیر برنامه‌های مهاجم ۳۳ ساله ایرانی بررسی دقیق‌تری روی لیدز یونایتد و فولام انجام داده و تصمیم‌گیری در مورد مقصد بعدی به زودی انجام خواهد شد. مهدی طارمی که تابستان ۲۰۲۴ به صورت آزاد از پورتو راهی اینتر شد، در اولین فصل حضورش در نترآزوری آمار ۳ گل و ۹ پاس گل در ۴۳ بازی را ثبت کرد اما این آمار نتوانست رضایت باشگاه ایتالیایی و هواداران اینتر را جلب کند.

از آنجایی که دستمزد سالیانه ستاره ایرانی، ۳ میلیون و ۵۰۰ هزار یوروست و با توجه به اینکه هنوز ۲ سال دیگر از قرارداد ۳ ساله مهدی طارمی با اینترمیلان باقی مانده، اولویت باشگاه ایتالیایی فروش مهاجم ۳۳ ساله خودش است. اینتر برای رهایی از این رقم، مایل است طارمی را هر چه زودتر به باشگاهی دیگر بفروست، تا از دست این هزینه به نسبت

آگهی پرستار سالمند

۱۱ اسفند ماه سال ۱۴۰۳ زن جوانی با مراجعه به پلیس گفت: «من پرستار سالمند هستم و روز قبل مرد جوانی به من پیام داد و گفت که برای مادرش پرستار می‌خواهد. او خودش را خیلی حساس و نگران نشان می‌داد و می‌گفت باید در ساعت درواهای مادرش دقت کنم. در عین حال خودش را برای همسکاری چندان رافع نشان نمی‌داد و همین رفتارش باعث می‌شد که من ذراهی به او شک نکنم. بعد به من گفت برای بازدید از خانه مادرش باید حتما خودش حضور داشته باشد و گفت که چون آخر سال است سرشان شلوغ است و شب با من قرار گذاشت. او در اتوبان لیشگری با من قرار گذاشت و با موتور سرر قرار آمد. زمانی که سوار موتور شدم از مسیر منحرف شد و در جای خلوتی به من تجاوز کرده و از من سرقت کرد.»

دقیقاً یک روز بعد از ثبت این شکایت زن جوان دیگری به پلیس مراجعه کرد که به همین شیوه طعمه متهم شده بود. او که پرستار سالمند بود گفت: «وقتی سر قرار رسیدم متهم به من گفت جلوی خانه مادرش را کنده‌اند و چاره‌ای ن‌سدارد جز اینکه با موتور به آنجا بر بروم. من که برای پیدا کردن خانه مستاصل بودم و فکر می‌کردم شرایط آگهی برایم مناسب است با این مرد قرار گذاشتم و وقتی سر قرار رسیدم او با موتورسیکلت آمد.او گفت وقتی لوکیشن را برای من ارسال کرده متوجه شده که لوکیشن ارسالی اشتباهی چند کوچه آن طرف‌تر نشان می‌دهد و از من خواست خودش با موتور من را به خانه برساند. من گفتم خوب شما با موتور هستید و نمی‌توانم سوار شوم. شما بروید و آدرس را بدهید تا خودم بیایم اما او گفت این وقت شنب ترافیک است و من مسافرم و عجله دارم.»

این زن ادامه داد: «من ناچار شدم که سوار موتور او شوم اما او ناگهان از مسیر منحرف شده و سمت ایران خودرورفت.او زیر پل ایران خودرو باورسری خودم من را به درخت بست و با کمر بند خودش پاهایم را بست. سپس به من تجاوز کرد و طلاها و گوشی من را سرقت کرد و فرار کرد.»

در دادگاه

با تکمیل تحقیقات رسیدگی به پرونده در شعبه یازدهم دادگاه کیفری یک استان تهران ادامه پیدا کرد و متهم در دفاع از خود گفت: «من منکر تجاوز هستم و سرقت گوشی تلفن همراه را قبول دارم. نمی‌دانم چرا زنان این ادعا رو مطرح کردند.» با این حال با استناد به ادله و مستندات موجود در پرونده قضات دادگاه بعد از مشورت متهم را به اتهام تجاوز به ۱۲ زن به اعدام محکوم کردند.حکم صادر شده بعد از تأیید از سوی قضات دوائعالی کشور به مرحله اجرا در می‌آید.

عموی دختر ۱۵ ساله بابی جزئیات قتل او به دست خواستگار ناکام را روایت کرد

جنایت در پاسخ به جواب منفی

خانواده مقتول خواستار قصاص متهم در محل وقوع قتل هستند



روز حادثه

عموی شیدا ادامه داد: «روز حادثه شیدا و مادرش در خانه مادر خانم برادرم بودند چون مادر شیدا تصادف کرده و نیاز به مراقبت داشت که متهم با مشتش و لگد زده بود و گفته بود اگر ششیدان زن من نشود با جاقو می‌زنم. وقتی شیدا پشت مادرش پنهان شده بود و در باز کرده بود تا ببیند چه کسی در خانه‌اش را اینطور می‌زند. بعد قاتل وارد حیاط شده و فریاد زده بود و گفته بود اگر ششیدان زن من نشود با جاقو تکه تکماش می‌کنم.

شیدا که چشمش به او می‌افتد از ترسش به داخل اتاق دودیده و متهم با کفش وارد اتاق شده و گوشی شیدا را از او گرفته و بیرون رفته بود. چند ثانیه بعد به قمه‌ای که از داخل ماشینش آورده بود دوباره به داخل اتاق آمده بود. ششیدا از ترسش دور اتاق می‌دویده و جیغ می‌زد. در همان حال متهم مقابل چشم مادر بزرگ ناتوان و مادر بیمارش به او جاقو می‌زد. وقتی شیدا پشت مادرش پنهان شده بود جاقو را به گردن او فرو کرده است.»

«یکدفعه دیدم تلفنم زنگ خورد و برادرم از من خواست با هم ششیدا را به بیمارستان ببریم. باورم نمی‌شد چنین اتفاقی رخ داده باشد چون من نیم ساعت قبیش با ششیدا حرف زده بودم و به من گفت بیا با هم بیرون برویم و دوری بزنیم. وقتی او را به بیمارستان رساندیم انگار نفس‌های آخر را می‌کشید. شیدا را به اتاق عمل بردند اما شدت ششی ضربه وارد شده به حدی بود که جان سپرد.»

عموی شیدا در آخر می‌گوید: «تقاضای برادرم این است این پسر در همان محل وقوع جنایت قصاص شود.این جنایت داغ سنگینی به دل خانواده‌ها گذاشت.برادرم فقط دو دختر داشت که یکی از آنها یعنی خواهر بزرگ شیدا ازدواج کرده و دختر کوچکش را هم این جوان بابی‌رحمی از ما گرفت.»

